



گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته اجرائی به کنفرانس سازمان

رفقا! گزارش کمیته اجرائیه به کنفرانس مشتمل بر دو بخش سیاسی و تشکیلاتی است که با بررسی وضعیت سیاسی ایران آغاز می گردد و سپس گزارش تشکیلاتی ارائه میشود. در پایان نیز وظایف و تاکتیکیهای سازمان مورد بحث قرار میگیرد، برایین مبنا است مهمترین مسئله در جهت ارزیابی در صفحه ۳.

سرمقاله

کنفرانس سازمان و دستاوردهای آن

تلاطمات و بحرانهایی که هر سال زمان پرولتری در مقاطع مختلف حیات خویش با آنها روبرومی گردد، هرچند که بی تردید صدمات و لطامات سنگینی به جنبش طبقه کارگر و سازمان رزمنده آن وارد می آورند، اما اگر درسهای لازم از این بحرانها آموخته شود و در جهت خلوص ایدئولوژیک - سیاسی آن سازمان حل گردند، نهایتاً "به استحکام تشکیلاتی و انجام ایدئولوژیک - سیاسی خواهند انجامید."

بحرانی که سازمان ما از او خرسال گذشته با آن روبرو گردید و زندگی درونی و فعالیت بیرونی آن را مختل و در معرض یک تهدید جدی قرار داد، بلا تردید لطامات سختی به سازمان وارد آورد. این بحران که با یک از هم گسیختگی تشکیلاتی همراه بود، گروهی را به انحلال طلبی و انشعاب و گروهی را که بنا به خصلتهای طبقاتی شان فاقد ثبات و پایداری در شرایط بحرانی میباشند به انزوا و انفعال سوق داد. با این وجود، سازمان ما که طوسی حیات مبارزاتی خود بحرانهای متعددی را پیروزمندانانه از سر گذارنده است، می بایستی در صفحه ۲

انحلال حزب جمهوری اسلامی تمرکز قدرت یا تشدید بحران قدرت؟

با تشدید بحران اقتصادی و سیاسی و شکستهای پی در پی رژیم در حل مسائل و مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، تضادهای درونی هیئت حاکمه تشدید شده و دو جناح اصلی رقیب، در دستگاه حکومتی، بشدت علیه یکدیگر دست بکار شده اند. "تعطیل فعالیتهای" حزب جمهوری اسلامی که در واقع همان انحلال حزب جمهوری اسلامی محسوب میگردد، مرحله جدیدی را در ستیز میان جناحهای رقیب بر سر قبضه کامل در صفحه ۱۴

اقدامات بین المللی برای محدود ساختن دامنه جنگ

تشدید ما جراحیهای نظامی جمهوری اسلامی و گسترش جنگ در منطقه خلیج فارس، به جنگ ایران و عراق ابعاد نوینی بخشید و یک رشته تلاشهای بین المللی را بسرای محدود ساختن دامنه جنگ در پی داشته است. مجمع بین المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد در صدد یافتن راه حلها می هستند تا جمهوری اسلامی را به محدود ساختن دامنه جنگ ملزم سازند. سران ۷ کشی - شور "سنتی" جهان طی آخرین اجلاس خود در در صفحه ۱۳

مسائل مورد اختلاف

طی چند ماه گذشته حیات درونی سازمان و فعالیت بیرونی آن در اثر یک رشته مسائل مورد اختلاف بویژه در عرصه مسائل تشکیلاتی دستخوش اختلال گشته بود. این اختلافات که در جریان جمعبندی مباحث مربوط به عملکرد سیاسی و تشکیلاتی کمیته مرکزی در جهت تدوین گزارش به کنگره بر سر مسائل تشکیلاتی بروز نمود و به حیثه مسائل

قطعه نامه های مصوب کنفرانس سازمان

در صفحه ۱۷

اساسنامه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اقلیت)

در صفحه ۲۰

یادداشت های سیاسی

☆ "چهارتا چوبه دار" راه حل بهزاد نبوی برای حل مسئله تورم!

☆ "طرح قانونی ارتش"، ماهیت سرکوبگرانه ارتش را افشا میکند.

در صفحه ۱۸

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

کنفرانس سازمان و دستاوردهای آن

از صفحه ۱

خود هر چه بیشتر به صفوف سازمان راه یا بند، چرا که مادام، ترکیب طبقاتی سازمان به نفع کارگران تغییر نکند همیشه این خطر وجود خواهد داشت که انفرادمنشی روشنفکران در درون سازمان عملکرد داشته باشد و سازمان را با مشکلات جدید روبرو سازد. از این رو ایجاد یک سیستم تشکیلاتی حزبی و ساختار تشکیلاتی که بر اصول سانترالیسم - دمکراتیک مبتنی باشد، تمرکز همه جانبه فعالیت ما را در میان طبقه کارگر می طلبد.

کنفرانس همچنین با ارزیابی سبک کار گذشته سازمان تا کید نمود که سبک کار ما در گذشته چه در حیطه فعالیت سیاسی و چه در عرصه تشکیلاتی، یک سبک کار غیر پرولتری بوده است. این سبک کار لطفاً جدی به سازمان وارد آورده است از اینرو نفی این سبک کار و روی آوردی به یک سبک کار و فعالیت حقیقتاً کمونیستی یکی از وظایف اساسی سازمان محسوب می گردد.

کنفرانس پس از تصویب گزارش سیاسی و تشکیلاتی، طرح اصلاح شده برنامه سازمان را که در شماره ۲۱۰ نشریه "کار" منتشر گردید، به عنوان برنامه سازمان تصویب نمود. سپس اساسنامه سازمان را با در نظر گرفتن انتقادات و پیشنهاداتی که طی دو سال گذشته ارائه شده بود و مباحثی که در جلسات کنفرانس صورت گرفت مورد تصویب قرار داد.

تدوین و تصویب قطعنامه هائی پیرامون مسائل تاکتیکی یکی دیگر از اقدامات کنفرانس بود. در این زمینه قطعنامه هائی در باره شرایط کنونی، وظایف و تاکتیکهای ما و نیز شیوه برخورد به احزاب و سازمانهای غیر پرولتری به تصویب رسید.

علاوه بر این کنفرانس قطعنامه هبای دیگری نیز تصویب نمود که از آن جمله قطعنامه درباره الحاق (اقلیت) به نام سازمان است. این مسئله از آن جهت ضروری بود که امروزه جریانات مختلفی به نام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران فعالیت می کنند، و این امر منجر به اغتشاش و ابهام در ذهن توده ها می گردد، هر چند که خط مشی سازمان آنرا بطور کلی از کلیه جریانات دیگر متمایز میسازد، با این وجود برای رفع هر گونه ابهام و اغتشاش در میان توده ها لازم بود

اجرائیه پرداخت و بر این نتیجه گیری صحه گذاشت که سیستم تشکیلاتی و سبک کار ما گذشته، عمده ترین مانع بر سر راه انجام وظایف سازمانی ما بوده و منجر به بحرانهای مداوم در تشکیلات و ضربات پلیس به سازمان شده اند، در این سیستم تشکیلاتی به علت فقدان مناسبات و ضوابط حزبی اصول سانترالیسم - دمکراتیک عملکرد واقعی خود را از دست داده از یک سو به سانترالیسم یک جانبه و از سوی دیگر به لیبرالیسم انجا می رسد است، مکانیسم های دمکراسی درون تشکیلاتی نیز با مورندگی و انکار قرار گرفته و یا به ضد خود تبدیل شده اند. بحث و مبارزه ایدئولوژیک در پارهای موارد از مضمون واقعی خود تهی شده و حتی زمینه ساز انشعاب گردیده است. اصل انتقاد و انتقاد از خود که می باید در جهت رفع نواقص و کاستی ها و بسط و تحکیم مناسبات رفیقانه بکار گرفته شود عملکرد واقعی خود را از دست داده است، نتیجتاً معضلات و نابسامانیهای تشکیلاتی نتوانسته است بشکل اصولی خود حل گردد و منجر به بروز بحرانها و اختلاف نظرهای حاد در تشکیلات شده است. در این میان کمیته مرکزی سازمان که در اساس می بایستی در جهت دگرگونی این سیستم تشکیلاتی و حل نابسامانیهای تشکیلاتی گام بردارد به علت فقدان وحدت نظر بر سر مسائل و معضلات تشکیلاتی، و نیز ترکیب خود مرکزیت نه تنها در جهت دگرگونی این سیستم تشکیلاتی اقدامی انجام نداد بلکه در موارد متعدد خود به عامل تشدید کننده بحرانها تبدیل گردید.

کنفرانس تا کید نمود که تلاش در جهت تحقق برنامه و اهداف سازمان و رفع معضلات و نابسامانیهای گذشته مستلزم دگرگونی شکل سازمانی ما قبل حزبی و ایجاد یک سیستم نوین تشکیلاتی مبتنی بر ضوابط و معیارهای حزبی است. کنفرانس ضمن تا کید بر اجرای کامل اساسنامه سازمان و ضوابط و معیارهای آن، بر این مسئله نیز تا کید نمود که سیستم تشکیلاتی حزبی زمانی بطور کامل استقرار خواهد یافت که ترکیب طبقاتی سازمان نیز جدا " تغییر کند و کارگران آگاه به منافع طبقاتی

بین بحران را نیز بر غم لطمات آن از سر بگذراند و به حرکت خود ادامه دهد، اما این امر می توانست جز با یک جمع بندی از مسائل و معضلات سازمانه علت های بحران وریشه یابی بن، به شکل اصولی انجام پذیرد. این خود یا ز مندیک نشست سازمانی بود که مسائل در یک بحث همه جانبه و جمعی به بحث گذارد و بود، نشستی که قادر به جمع بندی و قدرت صمیم گیری باشد. ایده آلترین شکل این نشست همان کنگره سازمانی بود، اما از یک سو تا یج حاصل از بحران و از هم گسیختگی در تشکیلات و از سوی دیگر موانع و محدودیتهای مانعی و مکانی برگزاری چنین نشستی را در و تا ه ترین زمان ممکن، امکان پذیر میساخت، با بین وجود نشست فوری ضروری بود، چرا که هیچ وجه اصولی نبود که همچون گذشته به حرکت خود ادامه دهیم و جمع بندی را به کنگره حول سازمان، لذا کمیته اجرائیه سازمان که در بین بحران اخیر موقتاً مسئولیت امور تشکیلاتی بر عهده گرفته بود یک کنفرانس مرکب از جمعی از اعضا و کارکنان سازمان تشکیل داد تا مسائل تشکیلاتی را مورد بحث قرار دهد، و نیز مضمون اجلاس و حیطه وظایف و تصمیم گیریها در همان جلسه روشن گردد. این کنفرانس در کوتاه ترین زمان ممکن برگزار گردید و از آن با تیکه از یک سو مسائل برنامه ای، تاکتیکی و تشکیلاتی از مدتها پیش در درون سازمان به بحث گذارده شده و از سوی دیگر امکان برگزاری وری کنگره ناممکن بود، کنفرانس تصمیم گرفت که در مورد برنامه، اساسنامه، و خط مشی تاکتیکی سازمان در وضعیت جاری نیز تصمیم طعی اتخاذ نماید. با نتیجه دستور جلسات کنفرانس به شرح زیر تعیین گردید:

- بررسی گزارش سیاسی و تشکیلاتی میته اجرائیه.
- بحث و بررسی و تصمیم گیری در باره برنامه و اساسنامه سازمان.
- تصویب قطعنامه هائی پیرامون خط مشی تاکتیکی سازمان.
- انتخاب یک کمیته اجرائیه جدید.
- کنفرانس ابتدا به بحث و بررسی پیرامون گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته

گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته اجرائی به کنفرانس سازمان

از صفحه ۱

و نتیجتاً شکست قطعی انقلاب آغاز نمود. نخستین هدف خود را خلع سلاح توده ها، ب سازی ارتش و دیگر ارگانهای سرکوب ماشیه دولتی قرارداد. به منظور ب سازی کامل ارتش انحراف توجه توده ها از مسائل و بحرانها داخلی و دامن زدن به روحیه شوینیستی، ب یک جنگ خارجی روی آورد و بدین طریق نتوانست ارتش را به مثابه اصلی ترین ابزار سرکوب طبقه حاکمه ب سازی کند و ماشیه دولتی را با ارگانها و ابزار سرکوب جسید نظیر سیا، کمیته ها، بسیج و غیره و ذالک تکمیل نماید. اما بهر رو، تا اوایل سال ۶۰ هر چند انقلاب از تمام شیوه ها و ابزار سرکوب و تحمیز و فریب در مقابل با انقلاب و دست آوردها انقلابی توده ها استفاده کرد، اما بنا به موازنه ای که محصول قیام مسلحانه توده ها و ظرفیت انقلابی آنها بود، هنوز قادر به یک نبرد قطع و تعیین کننده نبود. در اوایل سال ۵۹ و اوائل سال ۶۰ وضعیت اقتصادی و سیاسی رژیم بشدن به وخامت گرائید. بحران اقتصادی ژرف تر گردید و بر شدت فشارهای مادی بر زندگی توده ها افزود. اکنون دیگر ماهیت ارتجاعی و ضد مکر اتیک سیاستهای رژیم بر بخش کثیری از توده های مردم نیز روشن شده بود و توه اکثریت توده ها نسبت به رژیم فروریخته بود. در همین شرایط تضادهای درونی هیئت حاکمه به درجه ای حاد شده بود که یک شکاف عمیق در سراسر دستگاه دولتی ایجاد گشته بود. تحت تأثیر این مجموعه عوامل اقتصادی و سیاسی، مبارزه توده ای پیوسته دامنه میگرفت، و شکل جنبش مدام انقلابی تر و آشکار تر میشد. اعتلاء انقلابی مردم به مرحله موقعیت انقلابی نزدیکتر میشد.

در این شرایط که دامنه اعتلاء مجدد و وسعت میگرفت و اشکال مبارزه علنی و آشکار توده ای شکلی تهدید آمیز خود میگرفت، ضد انقلاب که طی نزدیک به سه سال پس از قیام ضمن یک رشته نبردهای تعرضی و تدا فعی خود را برای تعرض نهائی و ضربه قطع

طولانی رکود و تحولات بطئی و آرام نقطه پایان گذاشت. بهمن سال ۵۷ نقطه اوج جنبش انقلابی توده ای و حد آعلی اعتلاء انقلابی طی این دوران بود که به قیام مسلحانه و سرنگونی رژیم سلطنتی شاه انجامید. قیامی که هر چند بیانگرا و روحیه انقلابی توده های مردم و ابتکار انقلابی آنها در انهدام رژیم سلطنتی بود اما نتوانست پیروزی قطعی را نصیب توده ها کند و قدرت سیاسی در دست آنها قرار گیرد، بلکه بالعکس قدرت سیاسی مجددا در دست بورژوازی قرار گرفت و اساسی ترین مسئله انقلاب یعنی مسئله قدرت سیاسی همچنان حل نشده باقی ماند. البته این تنها یک جنبه واقعیت انقلاب ایران و نتایج آن بود. جنبه دیگر، دست آوردهای انقلابی بود که توده ها با قیام مسلحانه خود بدست آورده بودند. نه تنها رژیم سلطنتی شاه، ببا ابتکار و اراده انقلابی توده ها و قهر انقلابی آن ها از اریکه قدرت به زیر کشیده شد، بلکه ماشیه دولتی نیز که ابزار اقتدار و فرمانروائی بورژوازی محسوب میگردد، در اثر قیام مسلحانه از هم گسیخته شد. خلق مسلح گردید، آزادی سیاسی بدون هر گونه محدودیت قانونی و مجوز مقامات حکومتی بدست آمده بود، شورا های انقلابی هر چند به شکل نطفه ای، پا گرفتند و بودند و خلاصه کلام توده ها ابتکار و عمل انقلابی را بدست گرفته و به اعمال اتوریت و اقتدار انقلابی می پرداختند. بدین طریق انقلاب نتایج دوگانه ای ببار آورد که می بایستی بلافاصله پس از قیام درهمه جا تقابل آشکار انقلاب و ضد انقلاب را در شرایط نوین و اشکال جدید به نمایش بگذارد. بنا بر این کشاکش عظیم و طولانی ضد انقلاب و انقلاب در واقع محصول منطقی درونی شکامل جنبش در آن مرحله معین بود.

بورژوازی از همان فردای قیام با تکیه بر توه و نا آگاهی توده ها تلاش مستمر و همه جانبه ای را برای بازپس گرفتن دست آورد های انقلابی توده ها، استحکام قدرت خویش

گرایش عمومی تحولات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی ایران و ب نتیجه تعیین وظائف و تاکتیکهای اساسی ما در قبال تحولات آینده است.

نخستین کنگره سازمان در سال ۶۰ بر اساس این ارزیابی عینی که خود ویژگی سیاسی دوران پس از قیام را مبارزه و کشاکش حاد میان انقلاب و ضد انقلاب تشکیل میداده و علیرغم افت و خیزهایی که جنبش انقلابی با آن روبرو بوده است، با توجه به تشدید بحران اقتصادی و سیاسی و برجای ماندن دوران انقلابی و بحران انقلابی، جنبش شکل انقلابی خود را از دست نداده و احتمال وقوع یک قیام مجدد وجود دارد، وظیفه مبرم تدارک برای یک قیام مجدد را بصورت وظیفه ای عاجل در دستور کار سازمان قرارداد.

در آن ایام علیرغم اینکه بسیاری از دست آوردهای انقلاب در معرض تاراجگری ضد انقلاب قرار گرفته بود، با این وجود ما دام که کلیه امکانات و چشم اندازهای انقلابی جنبش و مبارزه آشکار توده ای از میان نرفته بود، ما به متابه سازمان پیشرو طبقه کارگری بایستی توده ها را به مقاومت و ایستادگی در برابر ضد انقلاب فرا خوانیم، گرایش به مبارزه را در میان توده ها تقویت کنیم و در جهت تدارک یک قیام مجدد گام برداریم. اما هر چند که در فاصله میان دو کنگره سازمان تغییری کیفی و اساسی در اوضاع سیاسی جامعه پدید نیامده و تبع دورانی انقلابی موجود، جامعه با بحرانهای حاد روبرو شده است، با این وجود بحران سیاسی با نوسانات مختلفی روبرو بود، و با تعرضات مداوم ضد انقلاب، تغییراتی در شکل مبارزه توده ها و روش سیاسی مداوم انقلاب صورت گرفت. در این احوالی به فراز و نشیب های انقلاب ایران، نقطه عطفی این تحولات را روشنتر بیان می کند. دوران انقلابی که وجوه متمایز کننده آن از یک دوران رکود و مسالمت، مبارزه آشکار و انقلابی توده ای، بحران سیاسی، و اعتلاء مداوم است، در سال ۱۳۵۶ از یک دوران

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی جدا نیست

گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمپته اجرائی به کنفرانس سازمان

فراخواندن توده ها به پیروی از مرتجعین جمهوری اسلامی نقش خود را در خدمت به ارتجاع ایفا نمودند.

در عرصه بین المللی نیز عوامل مساعدی به نفع رژیم عمل کرد. امپریالیسم جهانی به ویژه امپریالیسم آمریکا با توجه به موقعیت بسیار حساس و استراتژیک ایران و نقش ارتجاعی که جمهوری اسلامی در سرکوب همه جانبه کمونیستها و دیگر انقلابیون ایفا میکرد این رژیم جانبداری میکرد. رژیم های ارتجاعی منطقه نیز علیرغم تضادهایی که با رژیم جمهوری اسلامی و پان اسلامیسیم توسعه طلب آن داشتند، اساساً نگران رشد انقلاب در ایران و منطقه بودند تا پان اسلامیسیم جمهوری اسلامی، از اینرو این رژیم ها نیز به حمایت و جانبداری از رژیم پرداختند. دولت های سوسیالیستی نیز که به علت انحرافات رویزیونیستی، در پندارگرایشات ضد امپریالیستی رژیم بودند، عملاً جانبدار آنرا گرفتند. بنا بر این در بطن این مجموعه عوامل داخلی و بین المللی بود که رژیم جمهوری اسلامی توانست توازن موجود را به نفع خود برهم بزند و دیکتاتوری عریان و عنان گسیخته ای را بر ایران حاکم سازد. اما هرچند که توازن قوا به نفع رژیم برهم خورد و با کاسته شدن از دامنه بحران انقلابی و اعتدالی انقلابی، شکل آشکارا و انقلابی جنبش نیز فروکش کرد و جنبش توده ای به یک رکود موقت کشیده شد، با این وجود همان گونه که تحولات بعدی جامعه نشان داد، نمی توانست به یک وضعیت کیفی نوین در اوضاع سیاسی جامعه و جنبش تسود های بیانجامد. چرا که لازمه این امر حل قطعی بحران اقتصادی و سیاسی بود و رژیم بنا به مجموعه تضادهایی که با آنها روبروست قادر به حل این بحرانها نبود.

بحران اقتصادی موجود، همان گونه که لاینحل ماندن آن طی چند سال گذشته نشان داده است، آنچنان ژرف و مزمن می باشد که حل قطعی آن جزا طریق راه حلی انقلابی ممکن نیست. از این که بگذریم، وابستگی اقتصاد ایران به سیستم جهانی اقتصاد سرمایه داری و نقش منحصر بفرد نفت در مجموعه اقتصاد جامعه، در شرایطی که به علت فقدان امنیت

رژیم و ادامه حکومت آن موثر بوده اند میتوان به عوامل زیر اشاره کرد. افزایش درآمدهای دولت از نفت که همزمان با موج سرکوب رژیم به بیش از ۲۰ میلیارد دلار در سال رسیده آن امکان داد که توأم با سرکوب تعدیلی نسبی در اوضاع عناصران اقتصادی پدید آورد. طی سالهای ۶۱ و ۶۲ تعدادی از پروژه های معوق مانده مجدداً ز سر گرفته شد. برخی موسسات مجدداً فعالیت خود را آغاز کردند. حجم تولید در تعدادی از موسسات افزایش یافت. بر میزان سرمایه گذاریها افزوده شد. بخشی از بیکاران جذب فعالیتهای مختلف شدند. امکانات فنی و مالی بیشتری در اختیار دهقانان قرار گرفت. به منظور مقابله با کمبود و گرانی کالاها بر میزان واردات افزوده شد به نحوی که میزان ارز مصرف شده در سال ۶۲ به حدود ۲۲ میلیارد دلار رسید که بخش عمده ای از این مبلغ را واردات محصولات مورد نیاز روزمره مردم تشکیل می داد.

بعلاوه درآمدهای هنگفت نفت به رژیم امکان داد که هزینه های بسیار کلان ماشین عریض و طویل بوروکراتیک - نظامی خود را تامین کند و یک ارتش بزرگ از نیروهای انگل جامعه را برای سرکوب انقلاب سازمان دهد.

مسئله ادامه جنگ نیز دستاویز دیگری بود تا از طریق آن بخشی از توده های نا آگاه را بفریبد و به دنبال روی از خود بکشد، بخش دیگری را منفرد کند و با تکیه آن سیاست سرکوب و اختناق را پیش برد.

در آن شرایط نه فقط کارگران و زحمت کشان فاقد تشکل و آگاهی لازم بودند بلکه سطح مبارزاتی آنها هنوز به مرحله ای نرسیده بود که یارای یک مقابله رویاروی و نبرد قطعی و سرنوشت ساز را بر رژیم داشته باشند.

سازمان ما پس از انشعاب فاقد آن توان و نفوذی بود که بتواند جنبش راهبری کند و دسیسه های ارتجاع را خنثی نماید. سازمان مجاهدین خلق نیز نه فقط به سوی لیبرالیسم در غلطیده بود بلکه عملاً زمینه ساز تعرض ارتجاع گردید و در مدتی کوتاه نیروی متشکل و رزمی خود را نیز به کلی از دست داد. خائنین توده ای و "اکثریتی" نیز با حمایت از رژیم و

آماده کرده بود، تعرض گسترده خود را آغاز نمود تا موازنه سیاسی را قطعاً به نفع خود برهم بزند و انقلاب را به شکست قطعی بکشد. ارتجاع حاکم بر ایران برای این منظور به حربه شناخته شده ضد انقلاب در چنین شرایطی، یعنی تحریک و سرکوب متوسل گردید. در این شرایط طبقه کارگر فاقد آن تشکل و قدرت لازم بود که بتواند دسیسه های ارتجاع را خنثی کند. خیانت فرصت طلبان "اکثریتی" به طبقه کارگر و انشعاب در سازمان، زمینه را برای یکه تازی جریان های غیر پرولتری هموار ساخته بود. سازمان مجاهدین خلق که در آن ایام از نفوذ قابل ملاحظه ای در میان توده های مردم برخوردار بوده جانبداری از لیبرال های جناح بنی صدر برخاسته بود و در حالیکه هنوز بخش کثیری از توده های مردم به عرصه مبارزه فعال و آشکار روی نیاورده بودند با توسل به تاکتیکهای انارشستی و ماجراجو - یانه به تعرض ارتجاع میدان داد. موج ترور و سرکوب، اعدام و زندان آغاز گردید. در مدتی کوتاه هزاران تن از انقلابیون ایران دسته دسته به جوخه اعدام سپرده شدند. دهها هزار تن به حبسهای طویل المدت محکوم شدند. هر گونه آزادی سیاسی از مردم ایران سلب گردید. تشکلهای کارگران و زحمتکشان در اشریورهای مداوم رژیم از هم پاشید. تعداد زیادی از پیشروان جنبش کارگری ایران به دست جلادان رژیم اسیر شدند.

سازمانهای سیاسی در معرض پیگیرد و ضربات جدی قرار گرفتند و از دامنه فعالیت آنها کاسته شد. هرگونه تجلی ناراضی و اعتراض به شدت سرکوب گردید، جورعب و وحشت سراسر جامعه را فرا گرفت. همزمان با این تحولات تضادهای درونی هیئت حاکمه نیز تخفیف یافت. این عوامل بنا گذیر بروضعیت سیاسی جامعه و شکل مبارزات توده ها تا تاثیر گذارد، مبارزه آشکارا و انقلابی توده ها فروکش کرد. این تغییر در اوضاع سیاسی تا بدینجا پیش رفت که تا سال ۶۱ توازن قوا قطعاً به نفع رژیم برهم خورد و امکان داد تا به امروز به حیات تنگین خود ادامه دهد. در رزمه عوامل داخلی و بین المللی که در برهم خوردن این موازنه به نفع

گزارش سیاسی و تشکیلاتی...

لارم سدور سرمایه کاهش یافته و درآمدهای حاصل از نفت تحت تأثیر نوسانات قیمت در بازار جهانی و کاهش صدور آن در اثر ادامه جنگ به حداقل ممکن رسیده است، به ادامه بحران و تشدید آن مدد رسانده است. تحمیل هزینه های کلان جنگ برگردانده اقتصاد ضعیف و ناتوان ایران و بلاخره سرشت متناقض دولت مذهبی و نقشی که روپنای سیاسی مدا و مادی جهت تشدید تضادهای ویژه تضاد روپنای سیاسی و زیربنای اقتصادی ایفا کرده است، همگی در رمره عواملی بوده اند که بنا گزیر می یابستنی بحران اقتصادی را تشدید کنند. لذا از سال ۱۳۶۲ دوباره بحران اقتصادی تشدید گردید. بر طبق گزارش بانک مرکزی طی سال ۶۳ درآمدهای دولت از نفت بیش از ۳۰ درصد کاهش یافت. رشد تولیدات کارگاههای بزرگ صنعتی که در سال ۶۲، ۲۱/۸ درصد بود در سال ۶۳ به ۸/۳ درصد رسید. میزان سرمایه گذاری در این بخش از ۳۲/۶ میلیارد ریال در نیمه دوم سال ۶۲ به ۲۳/۸ میلیارد ریال در نیمه دوم سال ۶۳ کاهش یافت. در پی این تشدید بحران، دوباره برداشته اعتراضات توده ای افزوده شد، تضادهای درونی هیئت حاکمه تشدید گردید و بحران سیاسی مجدداً ابعاد تازه ای بخود گرفت.

طی سالهای ۶۳ تا ۶۵ در بیش از سیصد مورد، کارگران دست به اعتصاب زدند. جنبش عمومی توده ای نیز با شکل گوناگون، اما اغلب به شکل تظاهرات، اعتلا عوینی یافت. تظاهرات محدی، کوی سیزده آبان و تظاهرات موضعی مدحنگ در شهرهای مختلف به ویژه در اواخر سال ۶۳ و اوائل سال ۶۴ بیانگرایان اعتلاء عوینی جنبش بود. همه این حقایق تأییدی است بر صحت ارزیابی سیاسی ما از اوضاع جامعه و روند تحول اوضاع، در نخستین کنگره سازمان این روند امروز نیز همچنان ادامه دارد. هم اکنون نیز رژیم جمهوری اسلامی در عرصه های مختلف اقتصادی و سیاسی با یک بحران حاد روبروست.

بحران اقتصادی و سیاسی مدا و مابسط و ژرفامی یابد و برداشته و عمق بحران انقلابی می افزاید. بحران اقتصادی اینک به درجه ای حسدات یافته که در تمام دوران حکومت جمهوری اسلامی

بی سابقه است. پس از کاهش سریع و فوق العاده قیمت نفت به کمتر از نیمی از قیمت گذشته آن در سال گذشته که در نتیجه آن درآمد های دولت از نفت به کمتر از ۵ میلیارد دلار در سال کاهش یافت و توأم با آن هزینه های جنگی و ماشین بوروکراتیک - نظامی دولت افزایش یافت، اقتصاد جامعه در رکود کم سابقه ای فرورفته است. تعداد زیادی از پروژه های دولتی متوقف شده است، بسیاری از موسسات و کارخانه ها فعالیت خود را "کلاً" متوقف ساخته اند و میزان تولیدات در بخش صنایع به حداقل ممکن کاهش یافته است. در حالیکه سهم صنایع در تولید ناخالص ملی پیش از قیام حدود ۲۰ درصد بود، امروزه به کمتر از ۱۰ درصد کاهش یافته است. ناتوانی دولت در تامین ارز مورد نیاز صنایع که اساساً وابسته و متکی به مواد خام، کالاها و وسائل واسطه ای هستند که می یابند از کشورهای امپریالیستی تامین شود، منجر به تعطیل شدن تعداد زیادی از کارخانه ها و کاهش ظرفیت تولیدی برخی دیگر به کمتر از نیمی از ظرفیت متوسط آنها گشته است. در حالیکه بنا به ادعای مقامات رسمی حکومت ارز مورد نیاز صنایع بیش از ۷ میلیارد دلار در سال میباید شش ماهه ۶۱ و ۶۲ به ترتیب ۳/۴ و ۳/۸ میلیارد دلار به این امر اختصاص یافت. در سال ۶۳ این ارز اختصاص یافته به صنایع به ۲/۸ میلیارد دلار، در سال ۶۴ به ۲/۴ میلیارد و طی سال ۶۵ به کمتر از یک میلیارد یعنی حدود ۹۰۰ میلیون دلار کاهش یافت.

در کشاورزی نیز به تبع بحران همه جانبه اقتصادی، بحران ژرف و مزمن کشاورزی تشدید شده، بازده محصولات پیوسته رو به کاهش است، محصولات که به شیوه عالی و در ارتباط با نیاز صنایع تولید می شود در وضعیت بسیار وخیمی قرار دارند. دولت به هیچوجه قادر نیست با توجه به وخامت وضعیت مالی اش نیازهای مالی و تکنیکی را برای مقابله با این بحران تامین کند.

رژیم جمهوری اسلامی نه فقط در بخش صنایع و کشاورزی با بحران و خیمی روبروست بلکه بحران مالی و بازرگانی نیز جزء دیگر بحران همه جانبه اقتصادی آن هستند. خزانه دولت به کلی تهی است. ذخائر ارزی به پایان رسیده است. رژیم برای مقابله با



اوضاع وخیم مالی خود، بحران کسری های کلان بودجه و قروض خود دست به انتشار بی رویه اسکناس بدون پشتوانه زده است. ارزش پول پیوسته در حال کاهش یافتن است. سیستم بازرگانی رژیم نیز با ناسامانی از هم گسیختگی روز افزونی روبروست. کمبود کالاها، افزایش مداوم قیمت ها و هرج و مرج توزیع بصورت پدیده ای ریشه دار در آمد است. بازرگانی بین المللی نیز فاقد هرگونه تعادلی است. دولت پیوسته در تلاش بوده است تا با اتکا به درآمدهای نفتی خود به میزان واردات به ویژه واردات کالاهای مصرفی بیافزاید تا با کمبود کالاها ای مقابله نماید اما کنون با کاهش درآمد نفت، واردات نیز کاهش یافته، کمبود کالاها محسوس تر و سرعت افزایش قیمت کالاها بیشتر شده است. روزه روز بر قیمت ما یحتاج مردم افزوده میشود و نرخ تورم به ۴۰ درصد رسیده است. سیستم جیره بندی رژیم نیز دیگر قادر نیست به وضعیت از هم گسیخته موجود سرو سامان ببخشد.

این بحران اقتصادی که در زمینه های مختلف تشدید شده است، مستقیماً اثرات مخرب و ویرانگر خود را بر شرایط مادی زندگی اکثریت عظیم و مطلق توده های مردم ایران برجای گذارده است. دستمزدهای واقعی کارگران پیوسته کاهش یافته و شرایط کار روزنگی آنها دشوارتر شده است. میلیونها کارگر به ارتش عظیم بیکاران پیوسته اند و از تأمین حداقل معیشت نیز محروم اند. با متوقف شدن روز - افزون فعالیت های اقتصادی و تعطیل کارخانه ها و موسسات، همه روزه گروه دیگری از کارگران به خیل بیکاران می پیوندند. هم اکنون با محاسبه ۴۰ درصد انبساط نیروی فعال به عنوان بیکار، آمار کل بیکاران به رقمی حدود ۵/۶ میلیون تن میرسد.

وضعیت دهقانان زحمتکش نیز مداوماً به وخامت می گراید و تحت تأثیر این بحران و فشارهای متعددی که رژیم به آنها وارد می آورد پیوسته خانه خراب می گردند و از هستی ساقه میشوند. بی جهت نیست که طی سالهای اخیر بنحوی سابقه ای برخیل مهاجرت روستا - ثیان خانه خراب به شهرها افزوده شده است. فشارهای ناشی از بحران بردوش عموم توده های مردم سنگینی میکند. سطح زندگی عموم توده های مردم، زیر فشار بحران، تیره افسارگسیخته، تعدیات و فشارهای متعدد

گزارش سیاسی و تشکیلاتی . . .

لتی، فوق العاده تنزل نموده است. این امت روزافزون شرایط مادی زندگی ده های مردم برحدت و شدت تضادهای مادی افزوده و منجر به تشدید اعتراض، رضایتی و مبارزه توده ای خواهد شد. از سوی بگرسبایستهای سرکوبگرانه و ارتجاعی رژیم و سل به دیکتاتور عریان و عنان گسیخته ن نارضایتی توده ای را تشدید نموده است. نیم جمهوری اسلامی ابتدائی ترین حقوق کراتیک و آزادیهای سیاسی را از مردم بران سلب نموده است. هرا اعتراضی را با رکوب، زندان، اعدام و شکنجه پاسخ میدهد. نیم جمهوری اسلامی با استقرار یک حکومت هبی، حتی حقوق مدنی مردم ایران را لگد ل نموده و دشمنی بی پرده و آشکار خود را با هر کل دمکراسی به نمایش گذاشته است. این نیم تضییقات و محدودیتهای متعددی علیه ان معمول داشته و آنها را از حقوق اجتماعی انسانی تا بدان حد محروم نموده که با آن به نابه نیمه انسان برخورد میکند. جمهوری - ملامی ستمگری نسبت به ملیتهای تحت تم ساکن ایران را به حد اعلی رسانده و لقبهای کرد، ترک، ترکمن، عرب و بلوچ را در مرض ستم و سرکوب و حشیانه ای قرار داده ست. حکومت مذهبی ایران بخاطر خصلت هبی خود، حتی اقلیتهای مذهبی را در معرض تم، فشار و بیگدر قرار داده است. خلاصه کلام بی قوقی عموم توده ها، سلب حقوق دمکراتیک زادیتهای سیاسی، سرکوب دیوانه وار و توسل دیکتاتور عریان و عنان گسیخته تماماً با نگرسیاستهای ضد دمکراتیک و ارتجاعی مهوری اسلامی است. این سیاستهای تجاعی توده های وسیعتری از مردم را که ارای تمایلات عمیقاً دمکراتیک میباشند به تیزور و درروئی آشکار با رژیم سوق داده است. جنگ نیز به مثابه یکی از بزرگترین مائبی که جمهوری اسلامی به ارمغان برده است، طی نزدیک به ۷ سال مداوم، غلیظ ترین فشار را بر توده مردم ایران وارد کرده است، طی این جنگ متجاوزان یک بلیون تن از توده های مردم ایران کشته، لول و مفقود شده اند. چندین میلیون تن

قرار دار دبا در دست داشتن اکثریت مجلس و تفوق در قوه مجریه در پی قبضه تمام هرمهای قدرت است و جناح دیگر که گروهی از تجار با زار و روحانیون صاحب نفوذ در راس آن قرار گرفته اند با اتکا به تعدادی از بیست ها و مقامات سیاسی در هیئت وزرا و ارگانهای اجرائی، در اختیار داشتن نهاد ریاست جمهوری، یک اقلیت نیرومند در مجلس، در دست داشتن شورای نگهبان، نفوذ قابل ملاحظه در ارتش، سپاه، کمیته ها و دستگاه قضائی، "جامعه روحانیت مبارز"، "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" و غیره در پی تضعیف جناح رقیب و کنار زدن آن از قدرتند. این تضادها و شکاف در بلاکه با زتاب بحرانهای جامعه و رشد نارضایتی و اعتراض توده ایست، مداوماً شدیدتر و عمیقتر شده است. نه فقط اوضاع داخلی رژیم از جمیع جهات با وخامت روزافزونی روبه روست بلکه در عرصه بین المللی نیز با انزوا و انفراد روز - افزونی همراه است. سیاستهای جنگ طلبانه و سرکوبگرانه رژیم، افکار عمومی جهان را بشدت علیه آن برانگیخته و منجر به محکومیت جهانی این رژیم شده است. شدت نفرت و انزجار جهانی از رژیم جمهوری اسلامی بدان حد رسیده است که حتی دول امیرالیست و دیگر دولتهای مرتجع جهان که مدافع این رژیم محسوب میگردند، جرات نمیکنند همه جانبه و آشکار به حمایت و پشتیبانی از آن بپردازند. اردوگاه کشورهای سوسیالیستی نیز که در گذشته از رژیم جمهوری اسلامی بعنوان رژیم "صدا میریالیست" حمایت میکرد. امروزه شکل گذشته از حمایت آن دست بر داشته است. مجموعه شرایط داخلی و بین المللی که فوقاً به آن اشاره شد و خامت روزافزون وضعیت رژیم جمهوری اسلامی، و ضرورت یک رشتنه تحولات انقلابی - دمکراتیک را به امری حتمی تبدیل نموده است. نه تنها شرایط عینی جامعه ضرورت این تحولات را به امری اجتناب ناپذیر تبدیل نموده است، بلکه دگرگونیهایی که جنبش طی دوران پس از قیام از سر گذرانده است حتمیت انجام این تحولات را نوید میدهد. انقلاب ایران در سبای گرانبها و ارزش مندی به طبقه کارگر و عموم توده های زحمتکش

گزارش سیاسی و تشکیلاتی...

وحدت عوامل و سیاست سازش طبقاتی را جایگزین مبارزه طبقاتی انقلابی کرده اند میتوانند این ضعف تشکل و آگاهی را دست - آویز توجیحات فرصت طلبانه خود قرار دهند و تغییرات کیفی طبقه کارگر و نقشش پیش از آنرا در مبارزات اخیرا نکار کنند.

توأم با این تحولات در جنبش، همراه با تشدید مبارزه و تفکیک و مرزبندی طبقاتی، آشکار شدن روزافزون نقش و موقعیت واقعی طبقات در عمل، و ارتقا عروضا فزون سطح آگاهی سیاسی توده ها، تغییرات محسوس در وضعیت سازمانهای سیاسی نیز صورت گرفته است و برای نخستین بار طی سالهای اخیر شالوده های مستحکم برای شکل گیری احزاب و سازمانهای سیاسی، با هویت مشخص طبقاتی گذارده شده است.

تا زمانیکه وجه همگانی و هم آوازی خصیصه جنبش عمومی توده ای محسوب میشد و جنبش خصلتی عموم خلقی داشت این گرایش عموم خلقی بدرجات مختلف در سازمانهای سیاسی نیز انعکاس مییافت و سازمانهای انقلابی که اغلب فاقد برنامه طبقاتی مشخص بودند، خود را نماینده و مدافع منافع عموم خلق معرفی میکردند. تشدید مبارزه و تفکیک و مرزبندی طبقاتی به ویژه پس از قیام منجر به تضعیف گرایشات عموم خلقی و تقویت برخورد های طبقاتی در جنبش گردید. تحولات دوران - قیام و پس از آن از یکسو احزاب بورژوازی را که تحت عناوین مختلف سعی در پوشاندن ماهیت خود داشتند گزیر ساخت با دفاع آشکار از منافع بورژوازی، ماهیت بورژوازی و ضد انقلابی خود را بکلی عریان سازند.

همچنین با تشدید مبارزه طبقاتی، برخی از سازمانهای خرده بورژوازی نیز در برنامهنه و اهداف خود آشکارا به دفاع از منافع بورژوازی برخاستند، بر همین مبناست که سازمان مجاهدین خلق به مروره یک سازمان ضد انقلابی مدافع منافع بورژوازی استحاله یافت و به نماینده سیاسی ارگانیک بورژوازی تبدیل گردید.

از سوی دیگر در دوران سازمانهای که با گرایشات عموم خلقی خود را مدافع منافع طبقه کارگر معرفی میکردند تحولاتی انجام گرفت و آنها را با تجزیه ها و اشعاعات مکرر روبرو ساخت. برخی از این سازمانها پیش از

کند و به سرانجام پیروزمندش برساند. به ویژه انقلاب ایران تمایلات شدیداً محافظه کارانه و سازشکارانه لایه های فوقانی خرده بورژوازی را در عمل نشان داد. تجربه انقلاب ایران این حقیقت مسلم را با زهم تأیید نمود که بدون رهبری طبقه کارگر پیروزی انقلاب ممکن نیست، چرا که طبقه کارگر تنها طبقه ثابت قدم و استواری است که هیچ قید و بندی آن را به جامعه موجود پیوند نمی دهد و بنابه وضع طبقاتی خود پیگیری ترین مبارز راه دمکراسی و دشمن تا با آخرین گریه امپریالیسم و ارتجاع است. طبقه کارگر ایران نه فقط از حیث تاریخی رسالت رهبری انقلاب را بر عهده دارد بلکه بطور مشخص نیز این توان و صلاحیت خود را طی مبارزه چند سال اخیر نشان داده است.

طبقه کارگر ایران در بحبوحه یورش دیوانه وار ارتجاع و سرکوب عریان و عنان گسیخته با استواری و سرسختی به مبارزه خود ادامه داد و پیش از آن خود را در مبارزه علیه ارتجاع حاکم بر ایران در عمل نشان داده است. این پیش از آن طبقه کارگر در مبارزه ای که هم اکنون در جریان است، محصول دگرگونیهای عظیمی است که این طبقه در دوران پرتلاطم انقلاب از سرگذرانده، انبوه تجارتنی است که بدست آورده و آگاهی نوینی است که کسب نموده است. انقلاب ایران زمین بکر و حاصل خیز مبارزه طبقاتی را در ایران عمیقاً شخم زد، کمونیستهای ایران در این زمین مساعد، در میان طبقه کارگر که خود در برطن بیگ دوران انقلابی دگرگون میشد، بذراکاهی را افشاند. اکنون این بذرها بارور شده و طبقه کارگر پیش از آن مبارزات توده های مردم علیه رژیم حاکم شده است، تنها این طبقه قادر است در مبارزه برای سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و استقرار یک جمهوری دمکراتیک، اقتضات تحتانی و میانی خرده بورژوازی را که دارای تمایلات دمکراتیک و ضد امپریالیستی - اندبخود ملحق سازد و انقلاب را به فرجام پیروزمندش برساند. البته این همه بسندان معنائیست که ما ضعف تشکل و آگاهی طبقه کارگر را انکار نکنیم و خطرات بالقوه آنرا از یاد ببریم، اما تنها کسانی که تئوری لیبرالیستی

مردم ایران داد و تغییرات چشمگیری در موقعیت و نقش طبقات و آگاهی توده ها پدید آورد. اگر به هنگام قیام مسلحانه مردم ایران علیه رژیم شاه، توده های مردم ایران، همچون یک توده بی شکل و فاقد هویت طبقاتی و اساساً بر مبنای شور و اشتیاق انقلابی قدم به میدان مبارزه علیه رژیم شاه نهادند و فاقد اهداف طبقاتی روشن بودند و از نیرو همگانی بودن و هم آوازی به مثابه وجه غالب جنبش، مشخصه جنبش عموم خلقی بود، پس از قیام، در بطن یک مبارزه جا دو ارتقا عروضا فزون سطح آگاهی طبقات و توده ها، توهمات عموم خلقی درهم شکست و پیروسه تفکیک و مرزبندی طبقاتی حدت گرفت. انقلاب ماهیت همه طبقات را در بطن پیکارهای طبقاتی سخت، عریان ساخت. ماهیت ضد انقلابی، ارتجاعی و فریبکارانه بورژوازی حتی بورژوازی متوسط با اصطلاح لیبرال که با شعار آزادیخواهی - دروغین به میدان می آید، بکلی فاش و بر ملامت گردید. این حقیقت بیش از پیش آشکار گردید که نه فقط بورژوازی در عرصه کنونی فاقد هرگونه پتانسیل انقلابی و ترقی خواهانه است بلکه بورژوازی ایران که اساساً منافع اش با حفظ کلیت و تمامیت نظم ارتجاعی موجود و سلطه امپریالیسم در ایران به هم گره خورده است، مخالف جدی و سرسخت هرگونه تحولات انقلابی و دمکراتیک میباشد. تحولات چند ساله اخیر همچنین نقشی را که سران سازشکار خرده بورژوازی در خیانت به آرمانهای انقلابی توده مردم ایفا نمودند، به همه نشان داد. این تحولات نه فقط نقش سازشکارانه رهبران خرده بورژوازی را عریان ساخت بلکه ماهیت واقعی خرده بورژوازی را نیز در عمل آشکار ساخت و نشان داد که علیرغم اینکه خرده بورژوازی شهریور و ست - بورژوازی بزرگ و امپریالیسم، دستگاه دولتی و فشار دیکتاتور عریان و عنان گسیخته قرار دارد و لذا به انجام تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران ذی علاقه میباشد، با این وجود بنا به ماهیت طبقاتی اش نیرو - ثی ذاتاً نا پیگیر و متزلزل است و هیچگاه قادر نیست انقلاب دمکراتیک را در ایران رهبری

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

گزارش سیاسی و تشکیلاتی ...

پیش ماهیت خرده بورژوازی اعتقادات خود را بر ملا ساختند و از مواضع و اهداف طبقه کارگردور شدند. سازمان ما نیز نمی توانست جز از طریق یک مبارزه پیگیرانه علیه گرایشات عموم خلقی در درون سازمان در راستای دست یابی به یک برنامه و تاکتیکهای پرولتری که طبیعتاً همراه با یک رشته انشعابات و تجزیه های مکرر بود، حقیقتاً از منافع طبقه کارگر و استقلال طبقاتی آن دفاع کند. بنا بر این تحولات دوران قیام و سپس از آن به سازمانهای سیاسی ایران سیمای کاملاً طبقاتی بخشیده است و امروز هر سازمان سیاسی بجز بر خسی سازمانهای خرده بورژوازی فاقد اهمیت، با اهداف و برنامه روشن از منافع طبقه معینی دفاع میکند. از این رو در تحولات آینده جنبش بر خلاف گذشته، جنبش دارای خصلتی شدیداً طبقاتی خواهد بود و طبقات مستقلاً نمایندگان سیاسی خاص خود در انقلاب شرکت خواهند کرد.

ز آنچه که ذکر شد نتیجه میشود که مجموعه شرایط اقتصادی و سیاسی موجود، و خاتم روزافزون وضعیت رژیم جمهوری اسلامی را نشان می دهد، و تشدید بحران اقتصادی و سیاسی، رشد مبارزات و اعتلاء روزافزون جنبش را در پی خواهد داشت. این شرایط فراهم شدن هر چه بیشتر زمینه های عینی را برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و انجام یک رکن شده تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی نشان می دهد.

عملکرد تشکیلاتی

در دوران پس از نخستین کنگره سازمان تا به امروز، در شرایطی که سیاه ترین دیکتاتوری تاریخ معاصر ایران با همه شوم خود را بر سر ایران گسترده و هرگونه فعالیت سیاسی علیه رژیم با مجازات زندان، شکنجه و اعدام بوده است، سازمان ما، علی رغم یورش های مکرر پائیس و بحرانهایی که با آن روبرو بوده یک لحظه از وظیفه مبارزاتی خود غافل نمانده است. فدا -

کاری، از خود گذشتگی و قهرمانی رفقای ما در مبارزه که از ایمان خلل ناپذیر به طبقه کارگر و ایدئولوژی ظفر نمون مارکسیسم - لنینیسم منبث می گردد مانع از آن گردید که در فعالیت مبارزاتی سازمان خللی ایجاد شود.

سازمان ما در این دوران به تلاش سازمانگرواگاهگرانه خود در میان کارگران و زحمتکشان ادامه داد. اعلامیه ها و نشریات سازمان در مهمترین و بزرگترین شهرهای ایران پخش گردید. فعالیت های تبلیغی و ترویجی چه از طریق "صدای فدائی" نشریه "کار" یا دیگر نشریات سازمان انجام گرفت و در آن حد که در شرایط اختناق و سرکوب امکان پذیر بود به فعالیت های سیاسی و نظامی علیه رژیم ادامه داد. این دوران همچنین یکی از پربارترین دوران های رشد و ارتقاء تئوریک سازمان، دست یابی به یک برنامه حزبی و ترسیم خط و مرزهای کاملاً صریح و روشن با جریان های غیر پرولتری بوده است. با این همه باید انعام کرد که ما نتوانسته ایم تمام وظایفی را که بر عهده سازمان قرار داشته به انجام برسانیم. در این میان عواملی که بیش از همه در عدم اجرای این وظایف سازمانی مؤثر بوده اند از یکسو ضربات مداوم پلیس به سازمان و از سوی دیگر بحرانها و تلاطماتی است که سازمان طی این دوران با آنها دست به گریبان بوده است.

طی سال گذشته رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ضربات سنگینی به سازمان ما وارد آورده است. در اسفندماه سال ۶۰، ضربه ای سنگین بر پیکر سازمان وارد آمد که طی آن تعدادی از اعضا عمرکزیت و کادرهای تشکیلات به شهادت رسیدند و تشکیلات تهران تقریباً

از هم پاشید. هنوز چند روزی از این ضربه گذشته بود که در اوائل سال ۶۱ تشکیلات خوزستان، لرستان و سیستان و بلوچستان مورد یورش پلیس قرار گرفتند. در همین سال ضربات سنگینی به تشکیلات آذربایجان وارد آمد. در سال ۶۲ مجدداً تشکیلات تهران از جمله کمیته کارگری و محلات، و نیز تشکیلات خوزستان، شمال، شیراز، و نشریه کار در معرض

یورش وحشیانه پلیس قرار گرفتند. در آبانماه سال ۶۴ ضربه سنگین دیگری به کمیته کارگری تهران وارد آمد. طبق برآوردی که صورت گرفته است پس از نخستین کنگره سازمان متجاوز از ده هزار تن از اعضا، فعالین و هواداران - سازمان در مناطق مختلف ایران دستگیر شده و بیش از ده هزار تن اعدام گشته اند. در این فاصله چهار تن از اعضا کمیته مرکزی سازمان و دو عضو مشا ور کمیته مرکزی نیز به شهادت رسیده اند. طی ضرباتی که سازمان در این دوران متحمل گشته نه فقط تعداد زیادی از کادرهای ارزنده و با تجربه سازمان از دست رفته اند بلکه بخش وسیعی از امکانات مالی، انتشاراتی و تسلیحاتی سازمان نیز توسط رژیم به تاراج برده شده است. روشن است که این ضربات مداوم و بی درپیی نمی توانست تا شایر منفی خود را بر اجرا و اجرای وظایف سازمانی ما بر جای نگذارد. هر یورش رژیم به یکی از بخشهای تشکیلات پیوسته دامنه فعالیت سیاسی و تشکیلاتی ما را محدود نموده و هر بار سازمانی تشکیلات بخش قابل ملاحظه ای از انرژی سازمان را که می با یستی در فعالیت بیرونی سازمانی بکار گرفته شود، بخود اختصاص داده است.

از این گذشته و علی رغم ضربات مداوم پلیس، سازمان در شرایطی می با یست و وظایف خود را انجام دهد که با یک رشته بحرانها و اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی روبرو بوده است.

در اوایل سال ۶۰ و اوائل سال ۶۱ اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی به یک بحران ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی انجام مید. گرایشی که در نخستین کنگره سازمان شرمگینانه به دفاع از تر تسکیسم برخاست، اما در اقلیت قرار گرفت، بلافاصله پس از کنگره بنا به شیوه و سبک کار تر تسکیستها، با ایجاد یک فراکسیون ضد تشکیلاتی و طرح شعار "سازماندهی خود برای انقلاب" به فعالیتها ضد تشکیلاتی خود با عادت از راه ای بخشید. این گرایش برای پیشبرد مقاصد خود هیچ اقدام تشکیلات شکنانه ای فروگذار نکرد. مدافعین این گرایش حتی از چاپ و توزیع نشریه "کار" نیز سر باز زدند. هرج و مرجی را که این گرایش

زنده باد سوسیالیسم

گزارش سیاسی و تشکیلاتی ...

روشن ومدون قاندر نیوده ونخواهد بود که به
سازمان حقیقتاً پرولتری تبدیل شود. یانف
گرایشات غیر پرولتری مقابله ای جدی نمای
اهمیت این مسئله تابدان حداست که انگا
میگفت: "هنگامیکه یک حزب بدون ی
برنامه آغازیکار می کند که هرکسی می تواند
آن ببیند، این دیگر حزب نیست." هم
فقدان برنامه واهداف روشن سبب گردید
که به ویژه باقیام وهجوم سیل آسای روشنفکر
به سوی سازمان، تشکیلات ما عرصه نغ
گرایشات غیر پرولتری و اختلافات عمی
ایدئولوژیک - سیاسی متعدد گردد. تکام
گرایش عموم خلقی درون سازمان به اپورتو
نیسم تام وتمام "اکثریت" محصول اجتناب
ناپذیر این فقدان برنامه ومرزبندیها
ایدئولوژیک - سیاسی روشن بود، حتی پ
از انشعاب نیز هنوز بسیاری از مواضع سازما
میبرفانقدصراحت بود. ضدانقلابی دانست
حاکمیت، محوری برای تجمع نیروهای
گرایشات ایدئولوژیک - سیاسی مختلف در
درون سازمان تحت نام "اقلیت" گردید ک
این خودزمینه ساز اختلافات ایدئولوژیک
سیاسی و بحرانهای منتج از آن درآینده بود
همانگونه که بعداً این بحرانها درمقاط
مختلف بروز نمود. به مرور سازمان با دست
یابی به یک برنامه حزبی و تاکتیکیهای حزبی
به خطوط صریحاً مشخص ایدئولوژیک - سیاس
دست یافت. این خود هر چند پیشرفت بزرگ
برای سازمان محسوب میگرد اما ای
پیشرفت در مضمون ایدئولوژیک - سیاس
منجر به یک تضاد جدید در تشکیلات ما یعنی
تضاد میان مضمون پیشرفته و حزبی وشک
سازمانی عقب مانده وما قبل حزبی گردید
این تضاد نیز خود را به شکل بحرانها
تشکیلاتی بروز داد. در سال ۶۴ هنگامیکه یک
بحث همه جانبه پیرامون مسئله سیستم
تشکیلاتی وساخت سازمانی حول اساس نام
پیشنهادی کمیته مرکزی آغاز شده بود، اختلاف
حاد پیرامون مسائل تشکیلاتی بروز نمود
گرایشی که مدافع مناسبات محفلی وشک
سازمانی ما قبل حزبی بود با دفاع از زیر
شخصیات اپورتونیسم در مسائل تشکیلاتی
مختاریت، دمکراسی صوری، عقب ماندگ
تشکیلاتی، ماهیت اپورتونیستی خود را برملا
کرد. مدافعین این گرایش نه تنها در نوشته
های خود، این اپورتونیسم در مسائل تشکیلات
را به نمایش گذاشتند، بلکه در عمل نیز با د

داشت. مسئول این بخش تشکیلات، مهدی
سامع در زمره کسانی بود که در نخستین کنگره
سازمان با اتخاذ یک موضع اپورتونیستی به
مخالفت با موضع اصولی اکثریت کنگره
نسبت به مجاهدین خلق وشورای ملی
مقاومت برخاستند. اینان پس از کنگره با
حفظ مواضع خود در تشکیلات باقی ماندند، روشن
است که این گرایش نیز نمی توانست عملک
دیگری جزیک عملکرد اپورتونیستی در درون
سازمان داشته باشد، عملکرد این گرایش در
تشکیلات کردستان منجر به شکل گیری گروه -
بندیها و دسته بندیهای با گرایشات
ایدئولوژیک - سیاسی مختلف گردید که در
ادامه خود به یک بحران تشکیلاتی نی
انجامید. تازه پس از زل این بحران است
که سازمان توانست گامهای جدی به پیش
دارد و فعلاً در مبارزه سیاسی مداخله نماید.
تشکیل پلنوم دی ماه سال ۶۱ وتصمیمات مهمی
که این نشست در زمینه مسائل سیاسی و
تشکیلاتی اتخاذ نمود گام مهمی به پیش در
جهت فعالیتهای سازمان بود. در فاصله
پلنوم ۶۱ تا اواخر سال ۶۴ سازمان نه فقط در
عرصه سیاسی وتشکیلاتی گامهای مهمی به
پیش برداشت و با سازماندهی تشکیلات در
مهمترین مناطق ایران وخارج از کشور فعالانه
در مبارزه سیاسی شرکت جست بلکه در زمینه
تئوریک و دست یابی به یک برنامه حزبی
موفقیت قابل ملاحظه ای کسب نمود. این
مسئله بویژه از آن جهت حائز اهمیت بود که
تا این مقطع همانا فقدان برنامه وشک
اهداف روشن و خطوط صریحاً مشخص
ایدئولوژیک - سیاسی سرمنشأ بحرانهای
سازمان بود.

حقیقت امر این است که سازمان ما
از همان بدو موجودیت خود علیرغم اعتقاد به
سوسیالیسم علمی در خطوط کلی ومبارزه در راه
آرمان طبقه کارگر، فاقد یک برنامه روشن و
مشخص تدوین شده و تاکتیکیهای حقیقتاً
پرولتری بود. این فقدان برنامه ومدون
تاکتیکیهای منسجم، که خود بیانگرفقدان خط
مرزهای صریحاً روشن ایدئولوژیک - سیاسی
بود، زمینه ساز بروز اختلافات ونفوذ گرایشات
عموم خلقی و اپورتونیستی در درون سازمان
محسوب می شد. هیچگاه یک سازمان
مارکسیست - لنینیست بدون یک برنامه

اپورتونیستی در درون تشکیلات پدید آورد،
سرانجام نتایج فاجعه آوری ببار آورد. بسا
دستگیری عطاء الهی خاشن که یکی از پیروان
این طرز تفکر بود. بخش چاپ وتوزیع سازمان
مورد یورش وحشیانه پلیس قرار گرفت، به
بخشهای دیگر نیز لطماتی جدی وارد آمد و
تن از اعضا عمرکزیت وتعدادی از اعضا و
فعالین سازمان به شهادت رسیدند وتعدادی
دیگر دستگیر شدند. در پی این ضربه، سراسر
تشکیلات با زهم گسیختگی روبرو گردید، چرا که
ایجاد این ضربه تنها به آنچه که ذکر شد محدود
نمی شد. اثرات مخرب آن بویژه با شهادت
اعضای کمیته مرکزی به تمام تشکیلات بسط
یافته بود. در چنین شرایطی بانده
تشکیلاتی فعالیتها ی تخریبی خود را در درون -
سازمان تشدید نموده بود و به روحیه یاس و نا
امیدی در تشکیلات دامن میزد. هر تلاشی برای
بازسازی تشکیلات از سوی مدافعین این
گرایش عقیم می ماند. اینان پیشنهاد متوقف
نمودن کلیه فعالیتهای سیاسی سازمان را
عنوان میکردند. حتی با انتشار نشریه "کار"
نیز مخالف بودند و پیشنهاد انتشار یک
بولتن بحث راحول مسائل تئوریک بجای
انتشار نشریه "کار" مطرح میکردند، ناگفته
روشن است که تن دادن به چنین خواستی به
معنای پذیرش انحلال سازمان بود. در چنین
شرایطی اختلافات پیوسته تشدید می شد، و
فعالیت مبارزاتی سازمان عملاً متوقف شده
بود. با این وجود و برعم تمام تلاشهای تشکیلات
شکنا نه ترتیبی، مباحث ایدئولوژیک
به ویژه مباحث بولتن شماره ۲ این گرایش
را در درون سازمان منفرود نمود و ماهیت این
دیدگاه در درون تشکیلات افشا گردید. عده ای
از مدافعین این گرایش مواضع سازمان را
پذیرفتند و بقای آن نیز با انتشار یک اطلاعیه
در اوائل تیر ماه سال ۶۱ عملاً جدائی خود را
از سازمان اعلام نمودند. بنا بر این بحران
که سازمان در آن مقطع با آن روبرو گردید و
یک بحران وخیم ایدئولوژیک - سیاسی بود،
بصورت مانعی جدی بر سر راه ادامه فعالیتها
سازمان وانجام وظائف آن نیز درآمده بود،
اما سازمان هنوز از عواقب این بحران خلاص
نشده بود که در اواخر سال ۶۱ در کردستان با
بحران دیگری روبرو گردید. این بحران نیز
ریشه در اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی

گزارش سیاسی و تشکیلاتی . . .

ن به مناسبات محفلی، ایجا دسته بندی، کیل یک فراکسیون، رواج هرج و مرج و بی نظمی، اغ خود را از شکل عقب مانده سا زمانی نشان دند و سرانجام با توطئه ای که برای تسخیر کز فرستنده را دیوئی سازمان و دستگیری دو (از اعضا مرکزیت سازمان داده بودند، به ن اپورتونیسیم خودا بعد جدیدی بخشیدند. این بحران مسائل موردا اختلاف اساساً" کیلای بود و چهارم بهمن نقطه اوج ایسن بران تشکیلاتی که به یک درگیری خونین جامید. هرچندکه واقعه چهارم بهمن توسط ورتونیستهای باندمندی - شیبانی آفریده ، اما در بررسی بحرانی که به چهارم بهمن جامیدبا ین نقش کلیت سیستم تشکیلاتی و نقش کمیته مرکزی سازمان را نیز در نظر نت. اگر در این بحران، دریک سو با نند زی، توطئه گری و اپورتونیسیم فراکسیون نی - شیبانی عمل میکرد، در سوی دیگر آن مان مکانیسم ها و ضوابطی است که بتواند سبات سالم را در برور تشکیلات تأمین و تضادها را به شکل اصولی آن حل نماید. یک سو با نند بازی و محفل بازی عممل کند و در سوی دیگر آن سانترالیسم یک نبه و توسل به شیوه های بوروکراتیک برای اختلافات و مسائل تشکیلاتی از سوی ته مرکزی. وریشه تمام این مسائل نیز در بت سیستم تشکیلاتی قرار دارد. در سیستم یلایاتی ما قبل حزبی، مناسباتی که به ایسن ستم شکل میدهنه مبتنی بر ضوابط و معیارهای بی و کمونیستی بلکه بر مبنای معیارهای نلی شکل گرفته است. در این سیستم، ختار تشکیلاتی مبتنی بر اصول سانترالیسم - ترا تیک شکل نگرفته و این اصول نمیتوانند نکل واقعی، زندگی و مناسبات درونی کیلات را تنظیم کند. در این ساختار، نترالیسم و مکرراتیسم به مثابه دو جزه لایتجزا نمیتند بلکه در یکسو سانترالیسم صرف عمل میکند و در سوی آن مکراسی تا حدی برالیسم تنزل می باید مکانیسم های تراسی نیز که همانا انتقاد و نقد دا ز خود و بحث و مبارزه ایدئولوژیک می باشند، یا مری صوری و یا به ضد خود تبدیل میشوند. برای ریشه این بحران را با یدر سیستم کیلای و ساخت سازمانی جستجو کرد، با وجود و علی رغم نقشی که خود کمیته مرکزی زمان در این بحران ایفا نمود، چنانچه

کمیته مرکزی سا زمان به شیوه های اصولی ترو سنجیده تری برای مقابله با این بحران متوسل میشد، قطعاً می توانست در تخفیف این بحران وحل آن به شیوه های دیگر مؤثر باشد. بحران اخیر و اقدامات انحلال طلبانه کمیته خارج از کشور نیز جلوه دیگری از عملکرد همان سیستم تشکیلاتی است. در اوائل زمستان سال گذشته و در جریان تدوین گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته مرکزی، اختلاف بین اعضا مرکزیت بر سر مسائل تشکیلاتی شدت گرفت. گرایش که بهرام آن را نمایندگی می کرد با دفاع از عملکرد مرکزیت و سیستم تشکیلاتی که این همه مشکلات را برای سا زمان به بار آورده است از برخورد جدی به مسائل و مشکلات تشکیلاتی طفره برد و در پی توجیه این مسائل بود. گرایش دیگر از آنجا - نیکه ریشه نابسا ما نیها را در سیستم تشکیلاتی و سبک کار حاکم می دید شرط هرگونه برخورد جدی را نفی این سیستم تشکیلاتی و سبک کار میدانست. گرایش سومی نیز شکل گرفته بود که با اتخاذ موضع سانتریستی از پامخ صریح به مسائل موردا اختلاف طفره می رفت که در عمل این گرایش نیز مواضع اپورتونستی بهرام را تقویت میکرد، هرچندکه بعداً در برابر آن به موضع گیری پرداخت. این اختلافات بر سر مسائل تشکیلاتی به مرحله ای رسیده که کمیته مرکزی از تدوین یک گزارش واحد با زماند و جمع بندی مسائل و مشکلات تشکیلاتی وریشه یا بی آنها راه کنگره موکول کرد. با تشدید این اختلافات پیرامون مسائل تشکیلاتی، مسئول کمیته خارج از کشور دست به یک رشته اعمال ضد تشکیلاتی زد تا زمینه های انشعاب را از قبل فراهم سازد. شکل های هوادار خارج از کشور را تحت فشار قرار داد تا علیه نشریه "کار" و مواضع آن موضع گیری کنند. تلاش نمود که با توسل به شیوه های ناسالم مقاله "متحدین پرولتاریای ایران در عرصه بین المللی" را که منطبق بر مواضع سازمان تدوین شده بود، عدول از مواضع سا زمان معرفی نماید و در جهت تحقق اهداف خود تا به آنجا پیش رفت که در نوشته ای با عنوان "باز هم اپورتونیسیم راست" به تجدیدنظر در مواضع سا زمان پرداخت. از سوی دیگر در تلاش بر دبا حمایت گرایش سانتریست ترکیب شرکت کنندگان در کنگره به نحوی تعیین

شود که پنجاه درصد آراء آن متعلق به اعضای کمیته خارج از کشور، و پنجاه درصد باقی مانده از بخشهای دیگر تشکیلات باشند. روشن است کنگره ای که پنجاه درصد اعضا شرکت کننده آن از کمیته خارج از کشور باشند و بخشهای دیگر تشکیلات نیز پنجاه درصد دیگر را بخود اختصاص دهند، نه تنها نمی توانست بیانگر اراده تشکیلات باشد بلکه با هدف تأیید و تصویب مواضع اپورتونستی سرهم بندی میشد. از همین رو با تشدید اختلافات، رفقای که از بخشهای مختلف تشکیلات به کنگره دعوت شده بودند عدم حضور شان را در این نشست از قبل اعلام نمودند. مسائل موردا اختلاف در فروردین ماه سال جاری به مرحله ای رسیده که اعضا مرکزیت و مشاوران بهرام از عضویت کمیته مرکزی استعفا نمودند و کمیته مرکزی عملاً منحل گردید. متعاقب آن پیشنهادات و طرحهای مختلفی از سوی رفقای تشکیلات به منظور انتخاب یک رهبری موقت با هدف برگزاری فوری کنگره ای که نمایندگانه اراده تشکیلات باشد ارائه شد، اما همه این پیشنهادات با مخالفت کمیته خارج از کشور روبرو گردید. مسئول این کمیته در جهت پیشبرد مقاصد خود به شیوه های کاملاً اپورتونستی متوسل گردید، به منظور اعمال فشار به تشکیلات با سوءاستفاده از مسئولیت امور مالی و روابط بین المللی بودجه مالی و ارتباطات بخشهای تشکیلات را قطع نمود، و مانع از اذامه فعالیت را دیو سا زمان گردید. این اقدامات انحلال طلبانه و خود سرانه در این حدنیسز متوقف نماند و تا بدانجا پیش رفت که در تاریخ ۶۶/۳/۶ شخصاً اطلاعیه ای بنام کمیته مرکزی سا زمان منتشر ساخت. در پی ایسن اقدامات انحلال طلبانه بهرام که در جهت فروپاشی قطعی سا زمان بود، کمیته اجرائیه سا زمان تشکیل گردید که وظائف خود را تا لحظه برگزاری کنفرانس انجام داده است. آنچه که در این بحران تشکیلاتی نیسز دیده میشود نتیجه عملکرد همان سیستم تشکیلاتی و جلوه دیگری از اپورتونیسیم در مسائل تشکیلاتی است، اگر امثال مدنی - شیبانی با دفاع از مکراسی صوری، خود مختاری و عقب ماندگی سا زمانی، مظهر اپورتونیسیم در مسائل تشکیلاتی و مدافع شکل سا زمانی ما قبل حزبی بودند، گرایش که بهرام نیز آن را نمایندگی می کرد به شکل دیگر از همان شکل سا زمانی ما قبل حزبی و محفلی، خود مختاری و بوروکراتیسم

گزارش سیاسی و تشکیلاتی ...

سازیم. ما باید در پی ایجاد تشکیلاتی باشیم که ادامه کاری آن در مبارزه تضمین گردد. ما باید با گسست قطعی از سیستم تشکیلاتی ما قبل حزبی، سیستمی را پایه گذاری نمائیم که بر اساس مناسبات حزبی و کمونیستی شکل گرفته باشد، ضوابط حزبی بر آن حاکم باشد و ساختار آن مبتنی بر اصول سانترالیسم - دمکراتیک باشد. این است اساسی ترین وظیفه ای که سازمان ما برای غلبه بر معضلات که در گذشته با آن روبرو بوده است، در برابر خود دارد.

وظائف و تاکتیکهای ما

همانگونه که گفته شد، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با یک بحران وخیم اقتصادی و سیاسی و مجموعه ای از تضادهای لاینحل روبروست. این بحرانهای اقتصادی و سیاسی ژرف و مزمن بهنگامیکه یک جنگ ارتجاعی نیز در جریان است چشم انداز یک بحران سیاسی بسیار ژرف و اعتلاء همه جانبه جنبش را در برابر ما می‌گشاید.

در چنین شرایطی احتمال وقوع یک قیام در حین جنگ و حتی پس از آن به امر جدی تبدیل شده است. از اینرو طرح شعار تبدیل جنگ به جنگ داخلی و تلاش در جهت تحقق این شعار یک وظیفه مبرم سیاسی محسوب می‌گردد.

بر این اساس طرح شعارهای مستقیم انقلابی و پیوند در خواستهای روزمره با شعارهای بلاواسطه انقلابی از جمله سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی مبنای سیاست انقلابی پرولتری را تشکیل میدهد.

ما مؤظفیم که توده های مردم ایران را حول برنامه حداقل پرولتاریا که متضمن در خواستهای دمکراتیک - ضد امپریالیستی و رفاه آنها - استقرار جمهوری دمکراتیک خلق، متشکل نمائیم. این امر مستلزم افشا و انفراد هر چه بیشتر فرمیسم و لیبرالیسم و تاکتیکهای رفرمیستی و اصلاح طلبانه آنها بجای انقلاب است. ما مؤظفیم در هر گامی که توده ها نشان دهیم که بدون سرنگونی قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی و انجام یک رشته دگرگونیهای انقلابی تحقق صلح دمکراتیک، و در خواستها و مطالبات ضد امپریالیستی - دمکراتیک و رفاه آنها امکان پذیر نیست. انقلاب راه حل قطعی همه بحرانهای موجود است. انجام

پذیری آن بیشتر شده است. این شکل سازمانی با یک سبک کار و شیوه فعالیت غلط تسواعم بوده است. ادامه کاری و پایداری سبک تشکیلات کمونیستی در مبارزه مستلزم سبک کار و شیوه فعالیت کمونیستی است. این سبک کار مستلزم متانت در سازماندهی، آبرونگری، دوری جستن از حرکات لحظه ای و مقطعی و جابجایی های تبلیغاتی است. در حالیکه ما بعوض اینکه با چنین سبک کاری فعالیت نمائیم در تلاش بوده ایم، که مدتها سازماندهی کنیم، تشکیلات را گسترش دهیم، بخشهای ضربه خورده را بازسازی نمائیم تا نشان دهیم علیرغم سرکوبها و ضربات مداوم رژیم، بلاوقفه به مبارزه خود ادامه میدهیم، در همه جا فعالیم و حضور داریم، و در سخت ترین شرایط اعلامیه ها و نشریات ما پخش می گردد. این سبک کار که بیشتر جنبه تبلیغاتی داشته و آغشته به روحیات غیر پرولتری بوده است، نه تنها معیار ادامه کاری و پایداری تشکیلات ما در مبارزه بوده است بلکه تشکیلات را در معرض یورشهای مداوم پلیس قرار داده است. حضور فعال داشتن در مبارزه امری ضروری است، و داخله فعال در مبارزه طبقاتی امری حیاتی است، اما این خود مستلزم یک پیش شرط یعنی وجود یک تشکیلات مستحکم در میان کارگران، و سبک کار و فعالیت متین، پیگیر و ادامه کار به دور از جنجال آفرینی و خودنمایی خورده بورژوازیست.

البته این سبک کار را درست در زمینه های مختلف فعالیت سازمانی ما از جمله در شیوه برخورد به احزاب و سازمانهای سیاسی، درگیریهای فیزیکی کمیته خارج از کشور و دیگر حیطه های فعالیت سازمان نیز خود را نشان داده است. بنا بر این نفی سبک کار گذشته و انتقاد جدی به آن یک امر حیاتی است.

از آنچه که تا کنون پیرامون مسائل و مشکلات سازمانی، بحرانهای تشکیلاتی و ضربات مداوم پلیس به سازمان گفته شد، نتیجه میشود که شکل و سیستم سازمانی، ساخت تشکیلاتی و سبک کار ما عمده ترین علت بحرانهای تشکیلاتی و ضربات پلیس به سازمان بوده اند، بنا بر این ما باید سبک کار و فعالیت گذشته خود را که آغشته به روحیات غیر پرولتری بوده است، به دور افکنیم و یک سبک کار حقیقتاً کمونیستی را جایگزین آن

نام و تمام دفاعی کرد. این گرایش در عمل نیز خود مختاری را در حیطه وظایف تشکیلاتی خود تا بدانجا پیش برده بود که دست به اتخاذ سیاستهای مغایر سیاستهای سازمان زده بود، از مسئولیتهای سازمانی سوء استفاده میکرد و در تلاش برای ایجاد یک تشکیلات کاملاً بوروکراتیک بود. این گرایش در همان حال از یک سبک کار خورده بورژوازیستی و آنارشیستی دفاعی نمود، از همین رو بسا تغییر سیستم تشکیلاتی و سبک کار مخالف بود و سرانجام با اقدامات انحلال طلبانه خود لطمات جدی به سازمان وارد آورد.

روشن است که کلیه بحرانهایی که فوقاً به آنها اشاره شد در زمره عواملی بوده اند که مداوماً حیطه فعالیت سازمان را محدود نموده و بر انجام وظایف آن تاثیر گذارده اند. ریشه این بحرانها نیز همانگونه که ذکر شد در تضاد میان شکل و محتوای تشکیلات ما و بقایای سیستم تشکیلاتی ما قبل حزبی و محفلی بوده است، که نه تنها حیات درونی سازمان را مختل نموده بلکه انجام فعالیتهای بیرونی سازمان را با موانع متعدد روبرو ساخته است. در این میان کمیته مرکزی سازمان نیز هیچ اقدام جدی در جهت دگرگونی این سیستم تشکیلاتی انجام نداد و خود نیز در این بحرانها نقش داشت از سوی دیگر هر چند ضربات مکرر پلیس به سازمان نیز یکی از عوامل محدود کننده حیطه فعالیت و انجام وظایف سازمانی ما بوده است، اما این ضربات با شکل سازمانی و فعالیت و سبک کار ما مرتبط بوده اند. سازماندهی مبارزه طبقاتی و داخله فعال در این مبارزه قبل از هر چیز مستلزم یک تشکیلات مستحکم، منضبط و ادامه کار در میان کارگران است، تنها چنین تشکیلاتی قادر است، در برابر یورشهای پلیس استحکام خود را حفظ کند و وظایف خود را به انجام برساند در حالیکه تشکیلات ما در دوران مورد بحث فاقد ضوابط و معیارهای حاکم بر تشکیلاتی است که بتواند در دوران سرکوب عنان گسیخته ادامه کاری و پایداری خود را در مبارزه تضمین کند. ما بیش از آنکه در فکر ایجاد یک تشکیلات مستحکم، محدود و منضبط و ادامه کار در میان کارگران بسوده باشیم در پی گسترش سطحی و بی رویه بوده ایم. در این تشکیلات مداوماً خط و مرزهای تشکیلاتی مخدوش شده و کنترل نا-

گزارش سیاسی و....

انف فوق الذکر مستلزم تلاش درجهت زماندهی مبارزات توده ها و قبل از همه زماندهی مبارزه طبقاتی کارگران است .
ن سازماندهی مستلزم تلاش ما درجهت استحکام تشکیلاتی سازمان درمیان کارگران بطریق ایجاد هسته های سرخ در کارخانه ها حلات کارگری است .

بدون ایجاد یک تشکیلات مستحکم ، هانکار ، منضبط و ادامه کار درمیان کارگران ، سازماندهی و رهبری مبارزه طبقاتی رگران میسر نخواهد بود و نه انجام وظایف یاسی فوری سازمان .

علاوه بر این سازمان ما باید درجهت جام وظایف خود درجهت سازماندهی رگران در تشکلهای غیر حزبی کمیته های رخانه تلاش کند .

رژیم جمهوری اسلامی پیوسته در تلاش است که هر تشکل طبقاتی کارگران را در نطفه نه کند و مانع از شکل گیری تشکلهای پایدار رگری گردد . ما باید در عین حال که از هر کان قانونی و غیر قانونی درجهت تشکل و اهی طبقه کارگر استفاده می کنیم ، تأکید ویژه ای بر کمیته های غیر حزبی کارخانه به ابه مناسبترین ارگان تشکل عمومی رگران در وضعیت کنونی داشته باشیم . چرا این کمیته ها با توجه به وضعیت سیاسی جو دو چشم انداز تحولات انقلابی ، به لحاظ عطف پذیری و قابلیت تحول ، خصلت برضی و تدافعی شان ، مناسبترین ارگان نکل عمومی کارگران محسوب می گردند .
عین حال که قادرند با توجه به سطح کنونی ارزات کارگران آنها را سازماندهی و رهبری مند ، در مراحل اعتلایافته تر جنبش نتوانند به کمیته های اعتصاب و سپس و راهای کارخانه تحول یابند .

علاوه بر این ادامه جنگ و اعزام گروه نیری از کارگران و دهقانان به جبهه های نگی ایجاب می کند که کمیته های سر بازان بر در جبهه های جنگ و پشت جبهه در پادگان ایجاد شوند و به سازماندهی عمومی ربازان بپردازند تا از این طریق نیز گامهای لی درجهت تحقق شعار تبدیل جنگ به نگی داخلی برداشته شود . اینهاست مجموعه مترین وظایفی که در مقطع کنونی در برابر زمان قرار گرفته است .

کنفرانس سازمان و دستاوردهای آن

از صفحه ۲

که سازمان را قادر خواهد ساخت در راه تحقق اهداف و برنامها خود ، گامهای جدی بردارد . عملی ساختن مصوبات کنفرانس تلاش بلاوقفه و پیگیرانه تمامی رفقای سازمان را می طلبد پس رفقا ! تمام توان و انرژی خود را در جهت به اجرا در آوردن مصوبات کنفرانس و استحکام بیش از پیش تشکیلات بکار گیریم .

گرامی باد خاطره فدائی شهید...

از صفحه ۱۶
بهره گیری از تجارب و نقد آن مجددا بر سرپا برخاسته اند ."

او که در جریان عمل و کسب تجارب بس ارزنده به تلفیق فعالیت در بین طبقه کارگر و رزم مسلحانه اعتقاد داشت ، با رفقای هم رزمش بهر روز از مغفانی و حمید مومنی به طرح ریزی فعالیت خود و درمیان کارگران پرداختند ، گرچه اجرای گسترده آن به بن بست کشیده شد اما تا شیر آن پس از قیام تیلور خود را نشان داد . او که مبارزه را بر مبنای واقعیات سازمان میداد اعتقاد داشت : "پس از طرح شدن یک ایده ، سیاست ، اسلوب مناسب و عملی برای اجرای آن را باید ارائه کرد و گرنه طرح ایده ها بدون ارائه اسلوب عملی کار بی فایده ایست" . و با چنین ایده واقع بینانه ای همواره به اشتباهات و خطاها ایقان داشت و از نقد دیالکتیکی آنها هرگز باثنی نداشت .

نام وی دحمید ، این کمونیست راستین و رهبر گرانقدر سازمان همواره در قلب ما زنده خواهد بود .



با کمکهای مالی خود
سازمان چریکهای فدایی خلق
ایران را یاری رسانید

مسائل مورد بحث و مصوبات کنفرانس نقش و اهمیت آنها در حیات سیاسی سازمان روشن میسازد کنفرانس با تصویب برنامه ، اساسنامه و قطعنامه های پیرامون وظایف تاکتیکی و خط مشی سازمان در وضعیت کنونی ، زمینه فعالیت هدفمند را در تشکیلات فراهم ساخت و به خط و مرزهای ایدئولوژیکی - سیاسی و تشکیلاتی سازمان صراحت بیشتری بخشید . همچنین با ارزیابی و جمع بندی معضلات تشکیلاتی طی دوران پس از کنگره سازمان و نقد حرکت گذشته و ارائه راه حل معضلات به حرکت آتی سازمان مبنای جدیدی بخشید . مصوبات کنفرانس خود گویای دست آوردهای مهم و برجسته آن هستند . اگر در گذشته فقدان برنامه و اساسنامه زمینه ساز ورود عناصری با گرایشات مختلف ایدئولوژیکی - سیاسی به درون سازمان بود ، امروزه دیگر تنها کسانی نمیتوانند به درون سازمان راه یابند که برنامه و اساسنامه آنها پذیرند و بدان عمل کنند . برنامه و اساسنامه ، اهداف و شکل سازمانی ما را روشن میسازند و اگر در گذشته سیاست تشکیلاتی ناروشن و سبک کار نادرست لطامات جدی به سازمان وارد آورد ، با بحث و بررسی که بر سر این مسائل صورت گرفت ، و روشن شدن سیاست تشکیلاتی و شیوه کار جدید بر مبنای نفی و نقد سیاست تشکیلاتی و سبک کار گذشته ، سازمان قادر خواهد بود از سر بسیاری از مسائل و معضلات گذشته رها گردد .

بر این مبنای اگر چه آخرین بحران تشکیلاتی لطامات جدی به سازمان وارد آورد ، اما نتایج و جمع بندیهای درخشان کنفرانس که بر اساس ریشه یابی نارسائیهای فعالیت سازمان در عرصه بیرونی و درون تشکیلاتی انجام گرفت ، جهش به پیش محسوب می گردد

اقدامات بین‌المللی برای محدود ساختن دامنه جنگ

از صفحه ۱

محدود ساختن دامنه جنگ و حفظ آزادی کشتیرانی در خلیج فارس و تصمیمات سران دول امپریالیستی در وینیز در همین راستا صورت گرفته است.

بهررو همچنان که روند ۷ ساله جنگ ایران و عراق و مجموعه عوامل نشان میدهند، جمهوری اسلامی علی‌رغم تلاشهای مستمری که برای به هم زدن موازنه موجود در جبهه‌های جنگ انجام داده است، قادر نخواهد بود تا قوای موجود در جبهه‌های جنگ را به نفع خود برهم بزند و گسترش دامنه جنگ به خلیج فارس نیز آمال و اهداف ارتجاعی رژیم راجا مه‌عم نخواهد بود. شایسته آنکه رژیم در شرایطی به ماجراجوییهای نظامی اخیر روی آورده که نظر سیاسی پیش ازین در آن قرار گرفت است. محدود حاکمان جمهوری اسلامی در جنگ با عراق، از حمایت رژیم دست‌بر نداشته‌اند، و رژیم جمهوری اسلامی به‌عنوان رژیم جنگ طلب و ارتجاعی منفرد شده است. فشاری سران جمهوری اسلامی بر دامنه جنگ و گسترش آن در اذهان توده‌ها مردم و چه در سطح جهانی به‌عنوان بی‌ضرر و بی‌تبدیل شده و شکستهای نظامی بی‌درپی حتی بخشهایی از عناصر درون حاکمیت را دامنه جنگ مردد ساخته. جمهوری اسلامی در شرایطی قرار گرفته است که نه‌تنها قادر است طریق کسب پیروزیهای نظامی چشمگیر، بستان جنگ فائق آید و نه شرایط سیاسی برای پذیرش قطع جنگ مساعد می‌بیند. چر که در وضعیت کنونی هرگونه عقب‌نشینی حکومت از مواضع جنگ طلبانه‌اش شکست سیاسی دیگر برای آن محسوب می‌گردد که رژیم را پیش‌ازین نزد توده‌ها مردم رسوا می‌سازد، تضادهای درونی حاکمیت را تشدید می‌نماید و بروخامت وضعیت آن خواهد افزود. تحولات اخیر در سیاست بین‌المللی در زمینه محدود ساختن دامنه جنگ نیز اکنون به‌عنوان دیگری بر علیه تأیید توسعه طلبانه جمهوری اسلامی تبدیل شده است، و شرایط را پیش‌ازین از تغییر داده است.

مشخصی بوده‌اند که باعث برهم خوردن توازن موجود در منطقه نشود. این جنگ میلیاردها دلار سود نصیب انحصارات نظامی ساخته، در سایه جنگ ایران و عراق، امپریالیست‌ها تنها فروش سلاح و تجهیزات نظامی به طرفین درگیر در جنگ را شدت بخشیده‌اند بلکه مقادیر معتدله‌ای سلاح و مهمات به دیگر دولت‌های ارتجاعی منطقه فروخته‌اند. بر زمین جنگ ایران و عراق، دولت‌های ارتجاعی حوزه جنوبی خلیج فارس، شورای همکاری خلیج را تشکیل دادند که مستقیماً از طریق دول امپریالیستی تقویت می‌شود. جنگ ارتجاعی ایران و عراق با تحت الشعاع قرار دادن مسئله فلسطین، ضربات جدی به مبارزات خلق فلسطین وارد آورده است. امپریالیست‌ها با دست‌آویز قرار دادن مسئله جنگ حضور نظامی خود در خلیج فارس را تقویت کرده‌اند و این موازنه دامنه جنگ ایران و عراق در اینجا مشخصی که منافع امپریالیست‌ها را به خطر نیاورد، مورد تأیید و مطلوب امپریالیست‌هاست. ابعاد مطلوب جنگ برای امپریالیست‌ها را معان و وزیر خارجه آمریکا در مورخا و رمیانه به‌عنوان عریان‌ترین شکلی مطرح ساخت آن‌گاه که اظهار داشت: "این جنگ نباید برنده و بازنده‌ای داشته باشد."

حفظ توازن کنونی آن عاملی است که در تقابل با توسعه طلبی جمهوری اسلامی در منطقه، امپریالیست‌ها را در مقامی به‌رویا و روشی با حاکمیت اسلامی وامی‌دارد. این امر در واکنش امپریالیسم نسبت به ماجراجوییهای نظامی اخیر رژیم اسلامی ایران بخوبی خود را نشان می‌دهد. در پی انتشار این خبر که جمهوری اسلامی قصد اردو مشق‌های دوربرو موسوم به کرم‌ابریش را برای هدف قرار دادن کشتی‌های نفتکش و تجاری در دهانه تنگه هرمز مستقر سازد، امپریالیست‌ها بویژه امپریالیسم آمریکا در عین حال که از این اقدام سران رژیم اسلامی برای تقویت حضور نظامی خود در منطقه بهره‌جستند، از آنجا که ماجراجوییهای نظامی جمهوری اسلامی منافع آنان را با خطر می‌انداخت، به یک رشته اقدامات دست زدند تا از گسترش جنگ در خلیج فارس جلوگیری نمایند. اقدامات بین‌المللی جهت

و نیز خواستار بازگشت آرامش به خلیج فارس و تضمین آزادی کشتیرانی در این منطقه شدند. سران دول امپریالیستی فوق‌الاعلام داشتند در صورت ادامه وضعیت موجود در خلیج فارس، ارسال سلاح و تجهیزات نظامی به هر یک از دولت‌های ایران و عراق که بر بحران منطقه‌ای در آن بزنند، قطع خواهد شد. متعاقب این اجلاس، وزیر امور خارجه ژاپن جهت توضیح مواضع دول امپریالیست در رابطه با جنگ ایران و عراق راهی تهران شد. از سوی دیگر معاون وزارت امور خارجه دولت شو روی مذاکراتی با سران جمهوری اسلامی و عراق انجام داد و موضع دولت متبوع خویش در رابطه با جنگ ایران و عراق را به آنان گوشزد کرد. این اقدامات بین‌المللی در جهت محدود نمودن دامنه جنگ و مخالفت با گسترش آن در منطقه خلیج در شرایطی صورت می‌گیرد که رژیم جمهوری اسلامی برای خروج از جنگ، طی هفته‌های اخیر دست به ماجراجویی‌های جدیدی زده است. علی‌رغم شکست‌های متعددی که جمهوری اسلامی طی ۷ سال دامنه جنگ با آن روبرو بوده است، سران رژیم با زهم بر دامنه جنگ اصرار می‌ورزند و برای باورند که با برهم زدن موازنه نظامی موجود و کسب یک پیروزی نظامی چشمگیر در جنگ، نهایتاً به یک پیروزی سیاسی دست یابند و از این طریق به اهداف توسعه طلبانه ارتجاعی خود جامعه عمل ببوشانند. اما از آنجا که روند و نتیجه جنگ ایران و عراق نه‌تنها محدود آمال و سیاست‌های دول درگیر بلکه در چارچوب معادلات بین‌المللی قابل تبیین است، هر تلاش مذبحانه جمهوری اسلامی برای خروج ازین بستان جنگ، تاکنون با شکست مواجه شده و جزا نبوهی کشته و مجروح و انهدام منابع اقتضادی و مضائب اجتماعی روزافزون برای کارگران و زحمت‌کشان، شماری در بر نداشته است. جنگ ارتجاعی دولت‌های ایران و عراق بنا به تأییدات منطقه‌ای آن که فشرده ساختن ضد انقلاب در منطقه و زمینه‌ساز گسترش حضور امپریالیسم در خاور میانه می‌باشد، از ابتدا مطلوب دول امپریالیستی به‌ویژه امپریالیسم آمریکا بوده است. اما امپریالیست‌ها خواهان دامنه جنگ در ابعاد



انحلال حزب جمهوری اسلامی مرکز قدرت یا تشدید بحران قدرت؟

از صفحه ۱
رت سیاسی گشوده است.

جناح رفسنجانی که نقش فائقه را در رت سیاسی در دست دارد، ما بشدت نگران رت گیری جناح رقیب و قدرتمند خود میباشند چون مدتهاست که تلاش همه جانبه ای را برای کنار زدن این جناح از اهرمهای قدرت باسی آغاز کرده است. جناح رفسنجانی هر دبا داشتن نقش مسلط در قوه مجریه و ثروت آرا نمایندگان در مجلس در موقعیتی ترنسبت به جناح رقیب خود قرار گرفته است به علت شکستهای پی در پی در زمینه های تلف، موقعیت خود را از سوی جناح دیگر در رت تهدید می بیند.

جناح رقیب رفسنجانی با در دست داشتن یک رشته ازا هرهای اصلی در قدرت باسی، نفوذ قابل ملاحظه در قوه مجریه و باثیه، یک اقلیت منسجم و نیرومند در مجلس، اختیار داشتن شورای نگهبان و روحانیون، نفوذ و ارگانهای وابسته به دستگاه حانیت به چنان مرحله ای از موازنه قدرت ست یافته که هر لحظه خطری جدی برای جناح رفسنجانی محسوب میگردد. این جناح نه فقط شکستهای جناح رفسنجانی در زمینه های تلف در جهت قدرت گیری روز افزون خود ستفاده نموده بلکه با در اختیار داشتن همان رتمهای اصلی دستگاه دولتی بصورت مانع ده ای بر سر راه پیشبرد سیاستهای جناح یب خود در آمده است.

قدرت این جناح در حدی است که حتی بی رت اینک جناح رفسنجانی حائز اکثریت در مجلس است، اما بدون موافقت آن چ طرح و لایحه قانونی نمیتواند به تصویب سد. عمده ترین اهرم این جناح در مجلس ان شورای نگهبان است، که بصورت مانع ده ای بر سر راه پیشبرد سیاستهای رفسنجانی در آمده است. بنحوی که رفسنجانی ن مصالحه خود در خرد اما آشکارا به ستلاف نظرمیان جناح خود و شورای نگهبان باره کرد و گفت: "هم اکنون یک سری قوانین

در مجلس در دست بررسی است مانند قانون جنگلها و مراتع، قانون اراضی شهری، قانون کار، قانون مربوط به تعزیرات و قوانینی از این قبیل که جنبه اقتصادی یا قضائی دارند و همینطور قانون تجارت خارجی و قوانینی که به بخش تعاونی مربوط میشود که با شورای نگهبان اختلاف نظر داریم."

جناح رفسنجانی که بشدت از سوی جناح رقیب خود احساس خطر میکند، مبارزه همه جانبه ای را برای محدود کردن قدرت آن آغاز کرده است، از هم اکنون در تلاش است که با بدست آوردن بیش از یک کرسی های مجلس را در انتخابات آینده که در اواخر سال جاری صورت خواهد گرفت به مقابله با شورای نگهبان برخیزد و به تصویب لوایح و طرحهای مورد نظر خود در مجلس بپردازد. برای این اساس با استفاده از قدرت خود، در جهت مقابله با جناح رقیب دست به انحلال حزب جمهوری اسلامی زده است تا از یکسو آنرا از این اهرم قدرت و زمینه های اجرایی محروم کند و از سوی دیگر مانع از آن گردد که در انتخابات آینده جناح رقیب بتواند از طریق حزب نمایندگان خود را به مجلس بفرستد.

جناح رفسنجانی علاوه بر این تعرضات دیگری به ارگانها و نهادهای جناح رقیب که در مسئله انتخاب نمایندگان ذی نفوذ میباشند، از جمله "روحانیت مبارز تهران" و "مدرسین حوزه علمیه قم" آغاز کرده است. چند روز پس از انحلال حزب جمهوری اسلامی آتن از نمایندگان مجلس وابسته به جناح رفسنجانی از خمینی ستوال نمودند که آیا سازمانها و نهادها ای که در تهران یا قم هستند میتوانند در دیگر مناطق نماینده معرفی کنند و خمینی پاسخنفی داد. این در حقیقت محدود کردن حیطه نفوذ این دوارگان وابسته به دستگاه روحانیت در انتخابات آینده است.

جناح رفسنجانی نه فقط در این زمینه اقداماتی را علیه ارگانهای اقتدار جناح رقیب خود آغاز نموده بلکه از طریق وزارت کشور و تغییرات گسترده ای که در کاردرسی این وزارتخانه و تعویض استانداران و فرمانداران پدید آورده است، زمینه را برای بسط هر چه بیشتر قدرت خود و اعمال نفوذ در انتخابات آینده بزبان جناح رقیب فراهم ساخته است.

این تعرض جناح رفسنجانی تنها در زمینه فوق الذکر محدود نشده بلکه در قوه قضائیه نیز بشکلی دیگر ادامه یافته است و جناحهایی که اخیراً از سوی طرفداران رفسنجانی علیه جناح دیگر در قوه قضائیه آغاز شده و به دخالت مستقیم شخص خمینی در این زمینه نیز انجامیده است در راستای اهداف فوق الذکر است.

جناح رفسنجانی قصد دارد از طریق تعرضاتی که اخیراً به جناح رقیب خود آغاز نموده است، قدرت فائقه و منحصر به فردی در قوای اجرائیه، مقننه و قضائیه بدست آورد، و تمامی قدرت را در دست خویش متمرکز سازد و بر بحران قدرت فائق آید. انحلال حزب جمهوری اسلامی از سوی جناح رفسنجانی در خدمت چنین هدفی قرار دارد، اما تلاشهای جناح رفسنجانی در جهت تمرکز هر چه بیشتر قدرت، در شرایطی که این جناح در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با شکستهای پی در پی روبرو شده است، در شرایطی که بحرانهای جامعه مداوماً تشدید میشوند، نتیجه ای به بار نخواهد آورد، بلکه به عوض تمرکز قدرت در یک دست، به تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه و تشدید بحران قدرت خواهد انجامید. هر چه جناح رفسنجانی در این زمینه بیشتر پیش رود، کشمکش جناحهای رقیب حادث میگردند و بحران قدرت نیز تشدید می گردد.



اساسنامه

پذیرش عضویت آنها، موظفند تعهدنامه زیر را امضا کنند:

"من خط مشی، اهداف و آرمانهای سازمان را می پذیرم و تعهد میکنم که اساسنامه آن پای بند و در اجرای تصمیمات سازمان وفادار باشم. من تلاش خواهم کرد موافق با ایده آلهای کمونیسم رفتار نمایم و با تمام وجود در جهت منافع طبقه کارگر و توده های زحمتکش مبارزه کنم. من همیشه منافع سازمان و طبقه کارگر را بر منافع شخصی ارجحیت می دهم."



مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای سراسر جهان

مسائل مورد اختلاف

از صفحه ۱

تشکیلاتی و ضربات مداوم پلیس به سازمان نشان داده است در کجاست؟

در جریان این مباحث دو گراییش اساساً متفاوت بروز نمود، یک گرایش از پرداختن به ریشه‌های این مسائل سرباز میزد و میکوشید مشکلات بسیار عظیمی را که سازمان طی ۵ سال گذشته در عرصه مسائل تشکیلاتی با آن روبرو بوده است در حد نقاط ضعف و کاستی‌های درامور تشکیلاتی ما معرفی کند. این در واقع ظفره رفتن از برخورد جدی با مسائل و تلاش در جهت حفظ سیستم تشکیلاتی موجود و جلوگیری از حرکت بالنده سازمان محسوب میشد. این گرایش می‌کوشید بجای انتقاد ریشه‌ای که متضمن یک دگرگونی اساسی در تشکیلات ما باشد، با پذیرش انتقادات جزئی و سطحی، مانع از یک تغییر بنیادی در شکل سازمانی و سیستم تشکیلاتی گردد.

گرایش دیگر بر این اعتقاد بود که نمی‌توان مسائل و مشکلات عظیمی را که سازمان طی چند سال اخیر با آن روبرو بوده است، ضربات مداوم و پلیس به سازمان وارد آورده و بحران‌هایی که نامگیر آن شده است، نتیجه "نقاط ضعف" و "کاستی‌هایی" در فعالیت تشکیلاتی ما ارزیابی کرد، بلکه این مسائل به کلیت سیستم تشکیلاتی، شکل سازمانی و سبک کار و شیوه فعالیت مربوط می‌گردد. ریشه‌ها بسا مانعها و بحران‌های تشکیلاتی ما در یک تضاد اساسی نهفته است که سازمان از مدت‌ها پیش با آن دست بگریبان است. تضادی که حاصل رشد مضمضمون ایدئولوژیک - سیاسی سازمان از یکسو و ایستائی، عقب ماندگی و محافظه کاری شکل سازمانی ما از سوی دیگر است. در حالی که تشکیلات ما طی چند سال گذشته از جهت محتوا و مضمون ایدئولوژیک - سیاسی رشد چشمگیری داشته است، در شکل سازمانی و شیوه فعالیت ما هیچ تغییری صورت نگرفته و اشکال سازمانی و شیوه‌های فعالیت ما قبل حزبی و محفلی همچنان در تشکیلات ما به حیات خود ادامه داده است، این عدم مطابقت شکل و محتوا تماماً زندگی درونی و فعالیت بیرونی سازمان را مختل نموده است. این تضاد میان شکل و مضمون اکنون مدتی است به چنان درجه‌ای از حدت خود رسیده است

که با بایده شکل سازمانی و شیوه فعالیت ما منطبق بر مضمون کنونی آن اساساً تغییر نکند، و یک سیستم نوین تشکیلاتی مبتنی بر ضوابط، معیارها و مناسبات حزبی به همراه یک سبک کار و فعالیت جدید جای آنرا بگیرد، در این صورت با حل تضاد موجود، سازمان میتواند یک گام اساسی به پیش بر دارد و از شر مشکلات تشکیلاتی که اکنون با آنها روبروست رها گردد و چنانچه شکل سازمانی کهنه به حیات خود ادامه دهد مسائل و مشکلات گذشته همچنان دامنگیر سازمان خواهد بود. هیچ انتقاد جزئی نمی‌تواند سازمان را از شر مشکلات موجود نجات دهد و هیچ اصلاحی در سیستم تشکیلاتی موجود چاره‌رسان نخواهد بود. رفع مشکلات از طریق حل تضاد میان شکل و محتوا ممکن خواهد بود و حل این تضاد نیز مستلزم دگرگونی بنیادی سیستم تشکیلاتی و سبک کار و فعالیت ما است. بنابراین اساسی‌ترین مسئله مورد اختلاف میان این دو گرایش مبارزه بر سر حفظ یا نغی سیستم تشکیلاتی و سبک کار ما بود. اما مسائل مورد اختلاف بین این دو گرایش تنها به مسائل تشکیلاتی محدود نمی‌شود. یکی دیگر از مسائل مورد اختلاف شیوه برخورد ما به احزاب و سازمانها غیر پرولتری بوده است. حقیقت امر این است که سازمان ما علیرغم تحلیل درست از ماهیت طبقاتی احزاب و سازمانهای غیر پرولتری در شیوه برخورد به احزاب و سازمانها غیر پرولتری به ویژه احزاب و سازمانهای انقلابی و دمکراتیک یک رشته اشتباهات گسترده دید این شیوه برخوردنا درست حتی سازمانهای خرده بورژوازی دمکرات و انقلابی را نیز به مقابله و رودروئی با ما برانگیخت. روشن است که یک چنین سیاستی عدول از خط مشی پرولتری محسوب می‌گردد. اگر حقیقتاً ما مرحله کنونی انقلاب را دمکراتیک میدانیم و بر این مبنا خرده بورژوازی را متحد پرولتاریا در این مرحله از انقلاب می‌شناسیم می‌باید بر مبنای تحلیل خود از ماهیت طبقاتی احزاب و سازمانهای سیاسی بویژه در جهت اتحاد عمل و همکاری با سازمانهای سیاسی دمکرات و انقلابی تلاش بکنیم. البته نافی مرزبندی‌های ایدئولوژیک - سیاسی با این جریانات، و افشای مداوم ناپیگیریهای آنها نیست در حالی که مانع تنها در زمینه اتحاد و همکاری توفیقی نداشته ایم بلکه روند تقابل روز افزون با آنها را در پیش

گرفتیم. این درست است که برخی از زیر سازمانها به اقدامات غیر اصولی علیه سازمان متوسل گشتند، و با گرایش به راست. به مقابله با سازمان ما برخاستند، اما ما نیز به برخورد های واکنشی و متقابل متوسل گشتیم. این خود روند مناسبات را وخیم تر نمود. در این میان کمیته خارج از کشور از طریق درگیریها، فیزیکی و اقدامات ماجراجویانه دیگر بر سیاست مناسبات سازمان با سازمانها، سیاسی انقلابی ایران افزود. چپ روی های این کمیته در پاره‌ای موارد شکل ماجراجویی آشکار بخود گرفت. این سیاست دربرخورد موارد از جمله در جریان اخراج مجاهدین خلق از فرانسه به همسویی با ارتجاعی ترین محافل دست راستی انجامید. اینکه سازمان مجاهدین از دیدگاه سازمان ما یک سازمان بورژوازی ضد انقلابی است، نمیتواند توجیهی برای سیاستهای کمیته خارج از کشور در مقابله با آنها باشد. بدیهی است که این شیوه برخورد با احزاب و سازمانهای غیر پرولتری اشتباه بوده و ما می‌بایستی به منظور اصلاح این اشتباهات، این سیاستها را مورد انتقاد قرار دهیم، اما گرایشی که در زمینه تشکیلاتی مدافع عقب ماندگی و اپورتونیسیم بود، در این زمینه نیز تنها از اعتراف به این اشتباهات و انتقاد به آنها سربا زمیزد بلکه برادامه سیاست گذشته تا کید داشت. اصرار بر ادامه چنین سیاستی قطعاً نمی‌توانست نتیجه‌ای جز انفراد روز افزون سازمان را در پی داشته باشد.

همانگونه که در زمینه متحدین داخلی طبقه کارگر در انقلاب و شیوه برخورد به آنها اختلاف نظر وجود داشت، این اختلاف در زمینه سیاست خارجی و متحدین بین المللی انقلاب ایران نیز خود را نشان داد. گرایش اپورتونستی، متحدین بین المللی طبقه کارگر و انقلاب ایران به ویژه اردوگاه سوسیالیسم را مورد نفی و انکار قرار داد این گرایش طی مقاله‌ای با امضاء کمیته خارج از کشور که در بولتن مباحثات شماره ۸ انتشار یافت، با انتقاد به مقاله "متحدین پرولتاریای ایران در عرصه بین المللی" منتشره در نشریه "کار" به تجدید نظر در سیاست خارجی سازمان که در برنا مه حداقل و مصوبات کنگره اول سازمان عنوان شده است، پرداخت. این در واقع به معنای در

مسائل مورد اختلاف

لیدن به سیاستی اپورتونیستی و بورژوازی
.. چرا که نفی متحدین بین المللی طبقه
گرایان و انقلاب ایران چیز دیگری جز
ت کردن تبه نیروهای انقلاب در مقیاس
شی و تقویت مواضع ضد انقلاب جهانی
ست . یک سازمان انقلابی و یک دولت
لابی که از یک سیاست داخلی انقلابی
وی می کند نمی تواند در سیاست خارجی ،
ستی مستقل از سیاست داخلی را پیش
.. علی رغم استقلال نسبی سیاست خارجی ،
سیاست داخلی و خارجی یک پیوند
سستی وجود دارد . برای این مینا سیاست
جی سازمان ما به تبعیت از سیاست
نلی سازمان ، اتحاد دو همکاری بسا
لابیون سراسر جهان است . امروز در مقیاس
نی سه نیرو به مثابه یک جریان واحد
لابی - ضد امپریالیستی در جهت تحولات
انسان ز عصر کنونی مبارزه می کنند و در برابر
نقلاب جهانی قرار گرفته اند . این سه
یا اردوگاه کثو ، های سوسیالیستی ، جنبش
ذبی طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری
بشهای رهایی بخش خلقها و ملت های تحت
اند . این سه نیرو متحدین انقلاب ایران
رصه بین المللی محسوب می گردند . هر
مان سیاسی و دولتی که بر خود نام انقلابی
کرات نیز می گذارد باید به این سیاست
جی متعهد و پای بندی شد ، بر همین اساس
ین سیاست خارجی در بخش حداقل
مه سازمان فرمول بندی شده است .
گرایش اپورتونیستی با نفی ایمن
لبندی سازمان در زمینه سیاست خارجی ،
قیقت از نفی سیاست اتحاد دو همکاری با
بیون سراسر جهان دفاع نمود و برای این
جیبی تئوریک نیز برای آن دست و پا
به تجدیدنظر در برنامه حدا کثر سازمان
خت و از تبدیل شدن انحرافات اردوگاه
یا لیسم به یک خط یا ترند اپورتونیستی -
یستی دفاع نمود . این در واقع به معنای
ر موجودیت اردوگاه سوسیالیسم و دفاع از
نیا سرمایه داری در کشورهای سوسیال -
تی محسوب می شد . چرا که اگر کسی بر این
ادبا شده که انحرافات ایدئولوژیک -

سیاسی کشورهای اردوگاه سوسیالیسم به
درجه یک خط اپورتونیستی - رفرمیستی
تکامل یافته اند در آن صورت باید از تسلط
ایدئولوژی و سیاست بورژوازی بر احزاب و
دولتهای حاکم بر کشورهای اردوگاه سخن
گفت و الزاماً احیا سرمایه داری را در این
کشورها پذیرفت . از این رو گرایش اپورتو -
نیستی که از تبدیل شدن انحرافات به یک
خط اپورتونیستی - رفرمیستی سخن میگفت ،
در واقع ماهیت سوسیالیستی کشورهای
اردوگاه سوسیالیسم را مورد انکار قرار می داد و
اساساً به نفی موجودیت اردوگاه سوسیالیسم
میرسید . در حالیکه حقیقت امر ، این است که
علیرغم انحرافات که اردوگاه سوسیالیسم در
سیاست داخلی و خارجی خود با آن روبروست ،
علیرغم انحرافات رفرمیستی که سازمان ما
در بخش برنامه حدا کثر خود با آنها مرز بندی
نموده است این انحرافات به درجه یک خط
اپورتونیستی - رفرمیستی تکامل نیافته اند ،
ساخت اقتصادی در این کشورها سوسیالیستی
است و بر همین مبنای اردوگاه سوسیالیسم
را متحد خود می شناسیم و مبارزه ما با انحرافات
آن در محدوده یک مبارزه ایدئولوژیک است .
مرز بندی و مبارزه ما با این انحرافات به هیچ
وجه نافی ماهیت سوسیالیستی و انقلابی
کشورهای اردوگاه سوسیالیسم نیست . ما در
همان حال که با انحرافات اردوگاه کشورهای
سوسیالیستی مرز بندی صریح و روشن داریم ، و
در هر کجا که با عملکرد این انحرافات روبرو
می گردیم علیه آنها موضع می گیریم ، اردوگاه
سوسیالیسم را متحد خود می شناسیم . هر سیاسی
جز این ، اپورتونیسم و در غلطیدن به مواضع
و راست خواهد بود . گرایش اپورتونیستی هر
چند در ظاهر از موضعی چپ به اردوگاه
سوسیالیسم حمله ورمیشد ، اما در واقع امر به
موضعی عمیقاً راست درمی غلطید .
آنچه که در زمینه اساسی ترین مسائل
مورد اختلاف گفته شد ، همگی بیانگر مواضع
عمیقاً اپورتونیستی گرایشی بود که کمیت خارج
از کشور سابق آنرا نمایندگی میکرد . گرایشی
که در نهایت با روی آوری به انحلال طلبی
آشکارا ماهیت فرصت طلبانه خود را بیش از
پیش برملا نمود .

گرامی باد خاطره فدائی شهید رفیق کبیر حمید اشرف

روز هشتم تیرماه ۱۳۵۵ ، زحمتکشان
محل مهرآباد جنوبی تهران ، شاهنبرحماسی
۱۱ رزمنده دلیر فدائی ، یازده کمونیست پیکارجو
و وفادار به آرمان رهایی طبقه کارگر بیا
مزدوران ساواک رژیم شاه بودند .

رفقا : غلامرضا لایق مهربانی ، فاطمه
حسینی ، یوسف قانع خشکیجاری ، محمدرضا
یشربی ، مسکرحسینی ابرده ، علی اکبر وزیری ،
محمد حسین حق نواز ، طاهره خرم و رفیق کبیر
حمید اشرف ، در حالیکه پایگاه آنها به محاصره
کامل سرکوبگران درآمد بود . پس از ساعتها
مقاومت که به هلاکت و زخمی شدن تعدادی از
مزدوران منجر گردید در این نبرد نا برابری ،
قهرمانان جان باختند .

باشهادت این رفقا ، بویژه فدائی کبیر
رفیق حمید اشرف ، طبقه کارگر ایران و سازمان
رزمنده آن جمعی از کارها و فعالین یکی از
کارآمدترین رهبران و فرماندهان خود را از
دست داد .

رفیق حمید ، فعالیت مبارزاتی خود را
از سال ۴۲ با گروه جزئی آغاز کرد و به زودی به
یکی از سازماندهان جنبش دانشجویی آن
دوره مبدل شد . با شروع فعالیت سازمان ،
به عضویت تیم کوه رفیق سعید کلانتری درآمد .
پس از دستگیری رهبری و اعضاء تیم توسط
ساواک ، او بی درنگ به بازسازی سازماندهی
تشکیلات کوه پرداخت و درایت خود را از همان
هنگام نشان داد .

ضربات سال ۴۹ و ۵۰ بر سازمان و وظائف
بس سنگینی را بردوش رفیق بجای گذارده
بود . احیای سازمان درگرو تلاش و جدیست
بلاوقفه بود و حمید در این آزمایش تاریخ ساز
مشکلات و مصائب فائق گردید . او میگفت :

"هرگز بدون تجربه و عمل در ارتکاب
اشتباهات نمیتوانستیم رشد کنیم . تاریخ
تمام انقلابات نشان میدهد که چگونه جنبشها
افت و خیز بسیار داشتند و تا چه حد مرتکب
اشتباهات کوچک و بزرگ شدند و آسیبهای
بزرگ دیده اند ولی پس از بروز شکستها بسا
در صفحه ۱۲

قطعه نامه های مصوب کنفرانس سازمان

... نامه درباره وضعیت کنونی،
و اکتاف و تاکتیکهای ما

جمهوری اسلامی از طریق یک اعتصاب عموم

سیاسی و قیام مسلحانه، و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به امری مبرم تبدیل شده است. انجام این وظیفه مستلزم تلاش هر چه بیشتر جهت سازماندهی توده های مردم و مقدم به همه طبقه کارگراست. در زمینه سازماندهی، باید از هر امکان قانونی و غیرقانونی، که جهت تشکل کارگران و زحمتکشان باشد استفاده کنیم. ایجاد هسته های سرخ در کار

خانه ها و محلات در جهت سازماندهی حزب کارگران و سازماندهی کارگران در تشکل غیر حزبی کمیته کارخانه، ارجحترین وظیفه محسوب میگردد. بعلاوه ادامه جنگ و اعزاز گروه کثیری از توده های زحمتکش به جبهه جنگ، ایجاد کمیته های سربازان را در جبهه و پشت جبهه نیز به امری ضروری تبدیل کرده است.

نظریه اینکه فشارهای متعدد اقتصادی و سیاسی منجر به رشد اعتراض و ناراضیتهای در میان مردم شده و این امر بحران سیاسی را عمیقتر نموده است.

نظریه اینکه رشد و تعمیق بحران اقتصادی و سیاسی تضادهای درونی هیئت حاکمه را نیز تشدید نموده و برحدت بحران سیاسی افزوده است.

نظریه اینکه تشدید بحران اقتصادی و سیاسی و نیز بحران انقلابی، شرایط و زمینه های عینی را برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و انجام یک رشته تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی بیش از پیش فراهم نموده است.

لذا وظیفه تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی انقلابی، مبارزه برای سرنگونی رژیم

نظریه اینکه بحران اقتصادی که طی چند سال گذشته، بیوسته ادامه داشته، مداوم و عمیق تر و زور فر تر شده است، نظریه اینکه این بحران اقتصادی که اکنون در زمینه های مختلف تشدید شده است، اثرات مخرب و ویرانگر خود را بر شرایط مادی زندگی توده های مردم برجای گذارده و شرایط زندگی آنها را بیش از پیش وخیم و دشوار نموده است.

نظریه اینکه سیاست سرکوبگرانه و ارتجاعی رژیم و سلب ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی برداشته فشار به مردم و بی حقوقی آنها افزوده است.

نظریه اینکه ادامه جنگ ارتجاعی با مصائب عظیمی که به بار آورده، بر شدت فشارهای مادی و معنوی که توده مردم با آن روبرو هستند افزوده است.

در جنبش طبقه کارگر ایفا میکنند، این احزاب و سازمانها فاقد هرگونه ماهیت انقلابی بوده، در صرف بندیهای سیاسی، در صرف ضد انقلاب قرار دارند، سازمان ما باید پورتونیسم رفرمیسم این سازمانها را افشا نماید و در جهت انقراض او طرد آنها بکوشد.

۱- احزاب و سازمانهای سیاسی که از منافع بورژوازی بزرگ دفاع میکنند، نظیر احزاب و سازمانهای سلطنت طلب و نیز سازمانهای باقی مانده از جبهه ملی که خود را جمهوریخواه معرفی می نمایند، مدافعین نظم پوسیده سرمایه داری اند، از برجای ماندن کلیه نهادهای ارتجاعی - بوروکراتیک دفاع میکنند و مخالف جدی هرگونه تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران اند، لذا سازمانهای فوق الذکر ما هیئتاً ضد انقلابی - اند و سازمان ما باید آنها به مثابه دشمنان انقلاب برخورد کند، و به مبارزه آشتی ناپذیر خود علیه آنها ادامه دهد.

۲- احزاب و سازمانهای سیاسی که منافع لایه های تحتانی و میانی خرده بورژوازی را نمایندگی می کنند، نظیر "حزب کمونیست" کومه له و "راه کارگر"، هرچند می کوشند ما هیئت خرده بورژوازی اعتقادات و اهداف اساسی بورژوا - دمکراتیک خود را در پس بیگانه سوسیالیزم کاذب بیوشانند، ما به تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران ذی علاقه اند و از اینرو سازمانهای انقلابی محسوب میشوند، سازمان ما باید ضمن افشای سوسیالیزم کاذب این سازمانها، با آنها بعنوان سازمانهای انقلابی برخورد کند.

* قطعه نامه پیرامون شیوه برخورد به احزاب و سازمانهای غیر پرولتری

نظریه اینکه تعیین خصلت طبقاتی احزاب و سازمانهای مختلف غیر پرولتری و شیوه برخورد به آنها در وضعیت کنونی که امر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به وظیفه های مبرم و جدی تبدیل شده، از اهمیت ویژه ای برخوردار است، لذا کنفرانس اعلام میدارد:

۱- احزاب و سازمانهای سیاسی که از منافع بورژوازی بزرگ دفاع می کنند، نظیر احزاب و سازمانهای سلطنت طلب و نیز سازمانهای باقی مانده از جبهه ملی که خود را جمهوریخواه معرفی می نمایند، مدافعین نظم پوسیده سرمایه داری اند، از برجای ماندن کلیه نهادهای ارتجاعی - بوروکراتیک دفاع میکنند و مخالف جدی هرگونه تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران اند، لذا سازمانهای فوق الذکر ما هیئتاً ضد انقلابی - اند و سازمان ما باید آنها به مثابه دشمنان انقلاب برخورد کند، و به مبارزه آشتی ناپذیر خود علیه آنها ادامه دهد.

۳- احزاب و سازمانهای سیاسی که منافع لایه های تحتانی و میانی خرده بورژوازی را نمایندگی می کنند، نظیر "حزب کمونیست" کومه له و "راه کارگر"، هرچند می کوشند ما هیئت خرده بورژوازی اعتقادات و اهداف اساسی بورژوا - دمکراتیک خود را در پس بیگانه سوسیالیزم کاذب بیوشانند، ما به تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران ذی علاقه اند و از اینرو سازمانهای انقلابی محسوب میشوند، سازمان ما باید ضمن افشای سوسیالیزم کاذب این سازمانها، با آنها بعنوان سازمانهای انقلابی برخورد کند.

۴- احزاب و سازمانهای پورتونیست - رفرمیست نظیر "حزب توده" و "اکثریتها" که از جنبه طبقاتی منافع لایه های فوقانی خرده - بورژوازی را نمایندگی میکنند و رفرمیسم و سازش طبقاتی آنها از این سرمنشا طبقاتی ناشی میگردد، نقش ستون پنجم بورژوازی را

* قطعه نامه پیرامون مصوبات کنفرانس

از آنجا که کنفرانس جمعی از اعضا کاردهای سازمان با بحث و بررسی مسائل استراتژیکی، برنامه ای، تاکتیکی و تشکیلاتی و تصویب برنامه، قطعه نامه های تاکتیکی، اساسنامه به مواضع سازمان در این زمینه ها صراحت بخشید،

لذا کنفرانس اعلام می دارد:
از این پس برنامه، اساسنامه و قطعنامه های مصوب کنفرانس مبنای فعالیت مبارزاتی سازمان را در زمینه های برنامه ای تشکیلاتی و تاکتیکی تشکیل می دهند.

قطعنامه‌های مصوب کنفرانس سازمان

از صفحه ۱۷

قطعنامه در مورد "کمیته خارج از کشور" سابق.

- نظریه اینکه کمیته مذکور طی چند سال اخیر با اتخاذ سیاستهای غیراصولی از جمله: ایجاد برخوردهای فیزیکی با سازمانها و گروههای سیاسی، همسوئی با راست ترین جناح دولت بورژوا - امپریالیست فرانسه در جریان اخراج مجاهدین از این کشور، شرکت درکنگره حزب بورژوا - امپریالیست انگلیس، عدول از خط مشی سیاسی سازمان - عرصه بین المللی، حیثیت سازمان را در دهان عمومی خدشه دار ساخته و موجب تیره شدن روابط سازمان با دیگر نیروهای سیاسی گردید.

- نظریه اینکه این "کمیته" ارتداد مسلکی خود را در نوشته "بازهم اپورتونیست راست" در خصوص آشکارا اردوگاه کشور های سوسیالیستی به نمایش گذارد.

- نظریه اینکه "بهرام" مسئول "کمیته" خارج از کشور "سابق" در راستای اهداف ضد تشکیلاتی و انحلال طلبانه خود، با سوء استفاده از مسئولیت خود در زمینه مالی و روابط خارجی با قطع بودجه مالی بخشهای مختلف تشکیلات و استمداد از عوامل خارج از سازمان موجب قطع برنامه های رادیویی سازمان گردید.

- نظریه اینکه کلیه اقدامات انحلال طلبانه و انشعاب گرایانه این "کمیته" در جهت تضعیف سازمان و در راستای خدمت به دشمنان سازمان قرار گرفت.

لذا، کنفرانس اقدام انقلابی "کمیته" اجرائی "مبنی بر انحلال کمیته خارج از کشور و اخراج "بهرام" را از سازمان بعنوان عنصری انحلال طلب مورد تأیید قرار می دهد.

* قطعنامه درباره

الحاق "اقلیت" به نام سازمان

نظریه اینکه جریانات سیاسی متعددی از آرم و نام سازمان استفاده می نمایند و این امر می تواند موجب ابهام و اغتشاش در ذهن توده های مردم گردد، لذا کنفرانس تصمیم گرفت از این پس در کلیه اعلامیه ها و نشریات سازمان واژه اقلیت پیوسته از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران قید شود.

یادداشت‌های سیاسی

"طرح قانونی ارتش"، ماهیت

سرکوبگرانه ارتش را افشا میکند.

در اواخر خرداد ماه مجلس ارتجاع تصویب طرح قانونی ارتش جمهوری اسلامی را به پایان رساند. با تصویب این طرح به نقش ارتش به مثابه ابزار سرکوب مستقیم توده ها و گشاینده زمینه گسترش "قلمرو اسلامی" قانونیت و شرعیت بخشیده شد.

بنابیند مواد "طرح قانونی ارتش" گویای وظائف و رسالت ارتش بعنوان نیروی مسلح جدا از مردم است که بر فراز سر توده ها، حاکمیت سرمایه را پاس میدارد. تصویب "طرح قانونی ارتش" برای این مسئله صحه میگذارد که ارتش، سپاه و کلیه نیروهای مسلح وابسته به رژیم، رسالتی جز حراست از منافع سرمایه داران و مرتجعین و سرکوب کارگران و زحمتکشان برعهده ندارند.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تصویب این طرح به ارتش وظیفه دادند که رسالت مکتبی جهاد در راه خدا یا سرمایه را به سرانجام برسانند، حافظ نظام جمهوری اسلامی باشند و در پیشبرد سیاستهای توسعه طلبانه و پاناسلامیستی رژیم، سپاه و سایر ارگانهای سرکوبگرایی کنند. "طرح قانونی ارتش" به عریانترین شکلی ماهیت سرکوبگرانه این نهاد را به نمایش میگذارد.

بند ب بخش چهارم "طرح قانونی ارتش" وظیفه این ارگان را چنین توضیح میدهد: "همکاری با نیروهای انتظامی و سپاه پاسداران در مقابله با اشرار، قاچاق - چپان، یاغیان و تجزیه طلبان و جریانات براندازی در مواقع ضروری و بنا به دستور"

اما چه کسی است که نداندا شرار، یاغیان تجزیه طلبان و جریانات براندازی از دیدگاه جمهوری اسلامی و سرمایه داران یعنی عموم توده های مردم ایران، یعنی کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی، یعنی خلقهای تحت ستم ایران که حاضر نیستند تحت حاکمیت سرمایه داران و مرتجعین باقی بمانند و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برای پاسداری از منافع سرمایه داران و بیعبودیت و داشتن کارگران و زحمتکشان، ارتش، سپاه و سایر ارگانهای سرکوب را سازماندهی و آماده نموده است تا هر حرکت

اعتراضی توده های مردم را سرکوب کنند و امنیت مطلوب سرمایه داران را برقرار سازند. از همین رو بود که در بقیه قیام آن گاه که ارتش ضد خلقی و تاندان مسلح رژیم شاه به مقابله با توده های مردم برخاسته بود و توده ها به عینه به نقش ضد خلقی و ارتجاعی ارتش پی برده بودند، خمینی مرتجع برای جلوگیری از انهدام ارتش، شعار "ارتش برادر ما است" را توسط حزب الهی ها به میان مردم برد و رژیم جمهوری اسلامی پس از خزیدن به قدرت اولین هدف خود را بازسازی ارتش و دیگر ارگانهای سرکوب قرارداد. چرا که این ارگانها لازمه ادامه حاکمیت هر رژیم بورژوازی هستند و رژیمهای ارتجاعی جز با توسل به ارتش و بوروکراسی نمی توانند اکثریت عظیم افراد جامعه را به تبعیت و بندگی سرمایه داران نمایند.

اما طرح قانونی ارتش، وظائف دیگری را نیز برعهده ارتش جمهوری اسلامی گذاشته است، ارتش تنها وظیفه سرکوب کارگران و زحمتکشان ایران را برعهده ندارد بلکه منطبق با آمال ارتجاعی و توسعه طلبانه بورژوازی حاکم، باید عامل کشورگشایی و گسترش "قلمرو اسلامی" نیز باشد. در بندج ماده ۴ "طرح قانونی ارتش" در این مورد آمده است: "آمادگی جهت همکاری با سپاه پاسداران در کمک به ملل مسلمان و مستضعف جهان در دفاع از خود در برابر تهدید و تجاوز نظامی بنا به درخواست آنان و بنا به دستور" گردانندگان جمهوری اسلامی برای این

که ارتش بتواند بعنوان نیروی یکپارچه در خدمت اهداف ارتجاعی و ضد خلقی آنان باشد، آنچنان سیستم تفتیش و مراقبت و جاسوسی را برای پرسنل ارتش در نظر گرفته - اند که به محض مشاهده کوچکترین اعتراض و نا رضایتی، با برکناری، تا عذیب، تعلیق و حتی زندانی کردن پرسنل، یکپارچگی ارتش در سرکوب کارگران و زحمتکشان حفظ شود. بنا بر "طرح قانونی ارتش"، رفتار و اعمال پرسنل ارتش مداوماً توسط صدا اطلاعات و اداره سیاسی - ایدئولوژیک بررسی و به مقامات بالا گزارش میشود. دخالت پرسنل ارتش در مسائل سیاسی و شرکت یا جانبداریشان از جریانات سیاسی ممنوع شناخته شده است تا صرفاً بعنوان ابزاری برای حراست از نظام جمهوری اسلامی بکار گرفته شوند.

اما رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی به



پادداشتهای سیاسی

"طرح قانونی ارتش" ۰۰۰

نقش سرکوبگرانه ارتش در قوانین خود می پردازد که توده های مردم با تجاری که از قیام کسب کرده اند و طی رودروئیهای مداوم با نیروهای مسلح سرکوبگر به ما هیئت ارتجایی این نیروها پی برده اند. تجارب مبارزاتی توده های مردم به آنها آموخته است که ارتش و سایر نیروهای مسلح حرفه ای، ابزار سرکوب مستقیم آنان هستند.

* "چهارتا چوبه دار" راه حل بهزادنبوی برای حل مسئله تورم!

گرانی و کمبود کالاهای اساسی موردنیاز توده های مردم پیدا می کند. قیمت کالاهای به طور سرسام آوری افزایش می یابد و ارزش قیمتها قدرت خرید واقعی کارگران و زحمت کشان کاهش پیدا می کند. توده های مردم در اثر شدت و مداوم قیمتها قادر به تامین ابتدائی ترین مایحتاج روزمره خود نیستند. بنابراین آمار ارائه شده در مجلس ارتجاع در سال ۶۵ نرخ تورم به ۴۷ درصد رسید، و با سیاستهای جدیدی که دولت برای کاستن از هزینه های خود در پیش گرفته، در سال جاری نرخ تورم به مراتب بیش از پیش افزایش خواهد یافت. تنها طی چند ماهه اول سال جاری افزایش بهای نفت، بنزین، گاز و زئیل و آب و برق از سوی دولت، تاثیر مستقیم خود را بر روی بهای سایر کالاهای رایج گذاشته و قیمت سایر کالاهای نیز مدام و با رو به افزایش است. وضع چنان وخیم است که دست اندرکاران حکومت برای جلوگیری از فوران خشم توده ها به دست و پا افتاده اند. هر یک از جناحهای درون حکومت جناح دیگر را عامل گرانی کالاهای قلمداد می کنند و تلاش می کنند با راه با صلاح راه حل هائی بر عامل اصلی گرانی و کمبود کالاهای یعنی نظام سرمایه داری و رژیم جمهوری اسلامی سرپوش بگذارند. اما در میان نظرات و با صلاح راههای گوناگون مبارزه با گرانی، جالب ترین راه حل را بهزادنبوی وزیر صنایع سنگین رژیم ارائه داده است. بهزادنبوی طی مصاحبه ای با روزنامه کیهان مورخ ۲۴ خرداد با بتدا روشهای

دولت در مبارزه با گرانی و روشی را به باد انتقاد می گیرد می گوید: "مثلا مدت ۱۰ روز در یک دکانی را که می بندیم و یک پارچه می زنیم که چه؟ دکاندار با ندادن زه صدور زائیکروزگرانی و روشی خود کاسب میشود پس می رود آن ۱۰ روز را به مرخصی و استراحتش و تفریحش می پردازد پس اثری ندارد". نبوی سپس راه حل مورد نظر خود را برای برطرف کردن گرانی کالاهای ارائه داده و می افزاید: "لذا اگر می خواهیم مبارزه با گرانی و روشی بشود، باید قوانین بسیار قاطع و انقلابی و متخذاً منبایع فقهی و شرعی بیاوریم. منابع فقهی و شرعی به ما اجازه خواهند داد و مطمئن هستیم که فقه اسلامی نمی گذارد که مملکت به سقوط کشیده شود. اگر می خواهیم مبارزه با گرانی و روشی و احتکار بکنیم مردم در آن چهارتا چوبه دار بگذاریم بنیم اگر بعداً دیگر کسی احتکار کرد، اگر دیگر کسی گرانی و روشی کرد".

بله برپا کردن چوبه دار برای مغا زدهاران و توزیع کنندگان خرد آن راه حلی است که نبوی برای مقابله با گرانی ارائه میدهند. نبوی با ارائه این راه حل تنها اوج توحش و بربریت سران حاکمیت را به نمایش می گذارد بلکه در عین حال از عوام فریبی و شیادی سران رژیم در لاپوشانی علل اساسی گرانی نیز پرده بر میدارد. جنگ ارتجایی بخش اعظم درآمدهای ارزی و امکانات مادی جامعه را می بلعد، تولیدات صنعتی و کشاورزی به حد اقل کاهش یافته اند، رژیم برای بدست آوردن ارز بخشی از همین حد اقل تولیدات را نیز به خارج صادر می کند. کالاهای مورد نیاز در شبکه انبوهی از تجار، واسطه ها و انگلهای اجتماعی دست بدست می گردند و برای هر یک منبع سودهای سرشار میشوند آنگاه بهزاد نبوی توزیع کنندگان خرد را عامل گرانی معرفی می کند و خواستار برپا کردن چوبه های دار برای کسبه می شود.

اما اینگونه عوام فریبی ها امروز در شرایطی که ماهیت رژیم و ضدیت آن با کارگران و زحمتکشان آشکار شده است، دیگر چاره ساز سران حکومت نخواهد بود. توده های مردم به این امر واقفند که عامل اصلی گرانی و تورم نظام سرمایه داری و رژیم حافظ این نظام رژیم جمهوری اسلامی است. هنگامیکه در آغاز سال جاری نخست وزیر اعلام کرد بودجه سال جاری بر اساس برنامه نوین اقتصادی تنظیم شده است، روشن بود که این "برنامه نوین

اقتصادی" برنامه فقرو فلاکت روزافزای توده هاست. اساس این "برنامه نوین" اقتصاد "اراکا هس هزینه های جاری دول افزایش مالیاتها و اخذاً اعتبار از بانکها تشک میدهد که می بایست به این وسیله کسر شود. یک هزار ملیارد ریالی دولت را جبران نماید کاهش هزینه های جاری دولت نیز همانگونه که طی چند ماه اخیر روشن شده، مفهومی جـ اخراج کارگران و کارکنان موسسات دولتی کاهش دستمزدها و حقوق به بهانه های گوناگون حذف سوبسید کالاهای اساسی و ارداتی افزایش بهای کالاهای انحصاری دولت خدمات ارائه شده از سوی دولت ندارد. راستای تحقق همین "برنامه نوین اقتصاد" دولت برای کاهش هزینه های خود طرح خودگردانی وزارتخانه ها را نیز به اجرا آورد. این مبنای وزارتخانه ها می بایست با یافتن محل های درآمد هزینه های خود را از این محل تامین کنند، نخستین ثمره اجرای طرح خودگردانی وزارتخانه ها برای کارگران و زحمت کشان افزایش بهای نفت، بنزین، گاز و زئیل آب و برق از سوی وزارت نفت و وزارت نیرو بود. افزایش بهای مواد سوختی و آب و بر تاثیر مستقیم خود را بر بهای دیگر کالاهای رایج جای گذاشت. علاوه بر این اجرای این طرح خودگردانی وزارتخانه ها نیز نتیجه مستقیم فشار هر چه بیشتر بر سطح معیشت کارگران زحمتکشان خواهد بود. برای نمونه اجرا این طرح توسط وزارت آموزش و پرورش نتیجه ای جز افزایش هر چه بیشتر شهریه مدارس و اخذ از اولادین دانش آموزان، بهانه های گوناگون در برنخواهد داشت. و به اعمال چنین سیاستهایی است که بهای کالا و جناس مصرفی کارگران و زحمتکشان روز به روز افزایش می یابد، با افزایش مالیاتها افزایش قیمت ها قدرت خرید واقعی مردم سیر نزولی پیدا می کند. توده های مردم در فقر و فلاکت روزافزونی غوطه ور میشوند و سران رژیم ارتجایی جمهوری اسلامی که خود مسبب اصل مصائب اجتماعی توده های مردمند، با برانداختن هیاهو و جاج و جنجال پیرامون گرانی و گرانی و روشی می خواهند بر عامل اصلی گرانی کمبند ما بحتاج عمومی سرپوش بگذارند. بهزادنبوی خواهان اعدام کسبه میشود و اعلام میکند مسئله گرانی و گرانی و روشی به این وسیله به طرف خواهد شد تا نقش نظام سرمایه داری دولت پاسداران این نظام را در این زمین بپوشاند.

اساسنامه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اقلیت)

فصل اول - نام، اهداف و پرچم سازمان.
ماده ۱- سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اقلیت) به مثابه پیشاهنگ طبقه رگر، یک سازمان مارکسیست - لنینیست است که هدف خود را سوسیالیسم و کمونیسم از بیق دیکتاتوری پرولتاریا اعلام میدارد. به وه پرورش روحیه انترناسیونالیستی و هم تنگی با کارگران سراسر جهان از جمله - هدف دیگر سازمان به شمار می آید. رهنمون آن سازمان در کلیه فعالیتهای انقلابی اش، رکیسم لنینیسم است که به طبقه کارگر راه نیچ پایان بخشیدن به استثمار فرد از فرد و ادی کامل این طبقه را نشان میدهد.

ماده ۲- آرم و پرچم سازمان.
بند ۱- آرم سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اقلیت) یک داس و چکش متقاطع، لسل، ستاره، کره ارض و نقشه ایران است. در قسمت زیر آرم، یک نوشته مودور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خواهد بود.

بند ۲- پرچم سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اقلیت) یک پرچم سرخ است که در آن یک ونیم برابر عرض آن می باشد. سه بالای سمت چپ پرچم، آرم سازمان به سفید خواهد بود.

ماده ۳- درباره اعضا و کاندیدا های عضویت سازمان را بپذیرد، فعالان و اساسنامه سازمان را بپذیرد، فعالان در جهت تحقق آن ارزه کند، در یکی از بخشهای تشکیلات فعالیت نماید، کلیه تصمیمات سازمان را اجرا و در جهت عضویت بپردازد میتواند به عضویت سازمان در آید.

ماده ۴- حداقل سن برای عضویت در سازمان ۱۸ سال تمام می باشد.
ماده ۵- کلیه کسانی که خواستار پذیرش به وان کاندیدای عضویت در سازمان هستند، بید توسط دو عضو سازمان معرفی شوند.

ماده ۶- اعضا معرف کاندیدا در قبالت توسط توصیه های خود مسئولند.

ماده ۷- ارگان تصمیم گیرنده پذیرش کاندیدای عضویت، کمیته هریخش، شهرستان منطقه می باشد. این تصمیم باید به تصویب بته منطقه برسد.

ماده ۸- از زمانی که یک فرد بعنوان کاندیدای عضویت پذیرفته شد دارای حقوق و

وظائف یک عضو خواهد بود مگر در مورد انتخاب کردن و انتخاب شدن در ارگانهای سازمان و تصمیم گیریهایی که به آراء اعضا مربوط میشود.
ماده ۹- دوره آزمایشی عضویت (از کاندیدا به عضو) حداقل یک سال فعالیت در ایران است. پس از انقضای یک سال باید وضع کاندیدا روشن شود. این تصمیم شامل قبول عضویت، تجدید دوره آزمایشی (به مدت یکسال) و یا رد عضویت بطور کلی خواهد بود.
ماده ۱۰- پذیرش به عضویت سازمان تنها بصورت فردی انجام میگردد و اعضا جدید صرفاً از میان کاندیدا های عضویت پذیرفته میشوند.

ماده ۱۱- ارگان تصمیم گیرنده پذیرش عضویت، کمیته منطقه است. این تصمیم باید به تصویب کمیته مرکزی برسد.

ماده ۱۲- وظائف اعضا
بند ۱- هر عضو موظف است کلیه مفاسد اساسنامه، آئین نامه و ضوابط و مقررات تشکیلاتی را اکیدار عایت کند و از دستورات سازمانی متابعت نماید.

بند ۲- هیچکدام از اعضا سازمان حق ندارند عضویت سازمان سیاسی دیگری را بپذیرند.

بند ۳- صرف پذیرش تصمیمات سازمانی برای هر عضو کافی نیست، بلکه هر عضو وظیفه دارد فعالانه در جهت تحقق تصمیمات، سیاستها و رهنمودهای سازمانی مبارزه کند. برخورد منفعل به تصمیمات سازمان موجب تضعیف قدرت مبارزاتی سازمان میشود و مغایر ادامه کاری تشکیلاتی است. هر عضو سازمان بایستی همیشه در قبالت تصمیمات متخذه موضعی فعال و انقلابی داشته باشد.

بند ۴- دفاع قاطع از وحدت و انسجام سازمان که شرط اصلی توان و قدرت آن محسوب میگردد و مبارزه علیه هرگونه محفل گرائی، دسته بندی و فراسیونیسیم، از وظائف خطیر هر عضو می باشد.

بند ۵- هر عضو باید نمونه اخلاق کمونیستی را چه در محیط فعالیت خود و چه در محیط اجتماعی و زندگی فردی از خود ارائه دهد.

بند ۶- هر عضو موظف است منظمأ در جلسات تشکیلاتی خود شرکت نماید. در صورتی که عضو سازمان به مدت دوماه بدون عذر موجه در

جلسات شرکت ننماید، سازمان بایستی مسئله ابقا او را در صفوف خود مورد بررسی قرار دهد.

بند ۷- تقویت مداوم پیوند با طبقه کارگر، واکنش مناسب و به موقع به نیازها و درخواستهای زحمتکشان، توضیح سیاست و تصمیمات سازمان پیرامون مسائل اجتماعی به توده های غیر سازمانی و در درجه اول طبقه کارگر با هم وظائف هر عضو می باشد. یک عضو سازمان باید با دید با طرداشته باشد که قدرت و شکست ناپذیری سازمان در پیوند حیات و گسستی آن با طبقه کارگر نهفته است.

بند ۸- حفاظت از اسرار، اسناد و اموال سازمان وظیفه هر عضو محسوب میشود.

بند ۹- اعضا موظفند در ارتقا کارآئی های عملی خود و سازمان بکوشند و بیوسته با مطالعه مارکسیسم لنینیسم در جهت ارتقا سطح آگاهی خود نهایت تلاش را مبذول دارند.

بند ۱۰- اعضا موظفند انتقاد و انتقاد از خود را با دید کمک به یکدیگر و بهبود کار فردی و جمعی بکار بندند و کلیه انتقادات خود را در هر زمینه فعالیت سازمانی و نسبت به هر عضو و ارگان تشکیلاتی که باشد به ارگانهای بالاتر تا کمیته مرکزی گزارش کنند.

بند ۱۱- هر عضو موظف است مناسبات رفیقانه را در سازمان تقویت کند و روحیه هم بستگی و رفاقت را در سازمان پرورش دهد.

بند ۱۲- اعضا وظیفه دارند منافع طبقه کارگر و سازمان را بالاتر از منافع شخصی خود بدانند.

تبصره - کلیه موارد فوق از وظائف کاندیداها و اعضای عضویت نیز می باشد و در این موارد بین عضو و کاندیدای عضویت تفاوتی وجود ندارد.

ماده ۱۳- حقوق اعضا
بند ۱- هر عضو سازمان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در ارگانهای سازمان را دارا می باشد.

بند ۲- هر عضو دارا آزدانه و فعالان در بخشهای مربوط به سیاست سازمان در جلسات تشکیلاتی و مطبوعات سازمان شرکت داشته باشد و اظهار نظر نماید.

بند ۳- هر عضو دارا در جهت پیشبرد



اساسنامه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اقلیت)

- ۱-۵۱. اهداف سازمان در بالاترین حوزه فعالیت خود از تصمیمات متخذه ارگانهای تشکیلاتی و مسئولین مربوطه انتقاد کند و این ارگانها موظف به توضیحات قانع کننده در این زمینه می باشند.
- بند ۴- هرگاه یک عضو سازمان با تصمیم حوزه یا کمیته در مورد مسائل تشکیلاتی و سیاسی مخالف باشد، حق دارد نظر خود را به ارگانهای بالاتر تا کمیته مرکزی ارائه دهد. اما عضو سازمان در تمامی این موارد موظف است تصمیمات اخذ شده را اجرا نماید.
- بند ۵- هر عضو حق دارد از ارگانهای بالاتر تر گزارش دهی منظم پیرامون تصمیمات متخذه و سیاست سازمان را بخواهد.
- بند ۶- هر عضو حق دارد در مواردی که تصمیمی تنبیهی در رابطه با فعالیت و یا رفتار او اتخاذ میشود، در حوزه یا ارگان مربوطه حضور داشته باشد.
- فصل سوم - اصول سانترالیزم دمکراتیک
- ماده ۱۴- ساخت تشکیلاتی و زندگی درونی سازمان بر پایه و تحت هدایت اصول سانترالیزم دمکراتیک قرار دارد. سانترالیزم دمکراتیک یعنی رهبری متمرکز بر پایه دمکراسی درون سازمانی و دمکراسی تحت رهبری متمرکز. این بدان معناست که:
- الف - کلیه ارگانهای سازمان از بالاتر تا پایین انتخابی هستند.
- تبصره - در موقعیت کنونی کمیته مرکزی از حق برگماری در کلیه کمیته های منطقه ای برخوردار است.
- ب - اقلیت تابع اکثریت است. ارگانهای پایینتر موظف به اجرای دستورات و تصمیمات ارگانهای بالاتر میباشند. هر فرد خود را تابع اراده جمع میدانند. کلیه تشکلهای و ارگانهای تشکیلاتی تابع کمیته مرکزی سازمان میباشند.
- ج - کلیه کمیته های سازمانی، بخصوص کمیته های رهبری کننده باید همواره به نظرات و انتقادات تشکلهای سازمانی پائین تر و اعضا توجه نمایند.
- د - کلیه کمیته ها باید مرتباً فعالیتهای خود را به تشکلهای پائین تر گزارش کنند و کمیته های پائین تر نیز موظفند گزارش کار خود را به ارگانهای بالاتر ارائه دهند.
- ه - کلیه ارگانهای تشکیلاتی باید اکیداً طبق اصول و تصمیمات جمعی و مسئولیتهای فردی عمل نمایند.
- و - هیچ اجلاس کمیته های تشکیلاتی با کمترین نفر رسمیت نمی یابد.
- ماده ۱۵- در حیطه زندگی داخلی سازمان، اصول سانترالیزم دمکراتیک زیرا اجرا میشوند:
- الف - تلاش برای فعال کردن اعضا
- سازمان جهت بالابردن سطح ایدئولوژیک سیاسی آنها و رشد آگاهی اعضا.
- ب - بحث آزاد در درون کمیته ها و در مورد مسائلی که به سیاستها و فعالیتها عمومی سازمان مربوط میشود.
- ج - مبارزه ایدئولوژیک درونی و بیرونی به مثابه مکانیسم تحقق دمکراسی سازمانی.
- د - تشویق انتقاد و انتقاد از خود از بالاتر تا پائین
- ه - مبارزه مداوم و بی رحمانه علیه تمایلات بوروکراتیک و لیبرالی در تمام سطوح سازمان. و غیر مجاز بودن فرآکسیونیم و تشکیلات فرآکسیون به هر شکل.
- ز - تقویت روحیه حزبی از طریق رشد مناسبات رفیقانه، اعتماد دو کمک متقابل.
- ماده ۱۶- دیسیپلین سازمانی.
- الف - دیسیپلین سازمانی جزء لاینفک اصول سانترالیزم دمکراتیک محسوب میگردد و اجرای اکید آن برای حفظ و تحکیم وحدت سازمان و از دیا قدرت و توان آن در مبارزه امری حیاتی و ضروری محسوب میشود.
- ب - دیسیپلین بر پایه پذیرش آگاهانه اهداف، برنامه و سیاستهای سازمان استوار است و کلیه اعضا سازمان موظف به اجرای اکید دیسیپلین سازمانی هستند.
- ج - نقض اساسنامه و تصمیمات سازمانی و نیز توسل به هرگونه عمل و رفتاری که شایسته یک عضو سازمان نیست، نقض دیسیپلین سازمانی تلقی میشود و مشمول تنبیه انضباطی است.
- د - تنبیهات انضباطی که به منظور کمک به آموزش، تصحیح نواقص و اشتباهات، آگاهی به لزوم دیسیپلین سازمانی، حفظ وحدت، انسجام و خلوص تشکیلاتی اعمال میگردند، در صورتی اتخاذ میشوند که شیوه های دیگر از جمله شیوه های اقناعی و انتقاد و انتقاد از خود مؤثر واقع نشده باشند، تنبیهات انضباطی بسته به خطاها و اشتباهات شامل موارد زیر میباشند:
- ۱- اخطار
- ۲- توبیخ
- ۳- برکناری از مسئولیت در سازمان
- ۴- تعلیق عضویت حداکثر به مدت یکسال
- ۵- اخراج
- تنبیه انضباطی علیه هر عضوی توسط ارگانهای که به آن تعلق دارد، و یا ارگان بالاتر اتخاذ میگردد اما تصمیم به تعلیق و اخراج از سوی کمیته های سازمانی یا بدیهه تصویب کمیته مرکزی سازمان برسد.
- عضو اخراج شده سازمان تنها با تصمیم کمیته ای که اخراج را پیشنهاد داده و تصویب کمیته مرکزی میتواند به سازمان بازگردد.
- در کلیه موارد تنبیه انضباطی فرجام خواهی وجود دارد.
- در صورت نقض مدار و تصمیمات سیاست سازمان از سوی کمیته های تشکیلاتی یا نقض فاحش دیسیپلین و فعالیتها ضد تشکیلاتی، کمیته مرکزی سازمان سیاست انضباطی به مورد اجرا درمی آورد و حتی در بعضی موارد کمیته و ایجا دکمیته جدید میزند.
- فصل چهارم - ارگانهای عالی سازمان
- ماده ۱۷- کنگره سازمان
- بند ۱- کنگره عالیترین ارگان سازمان است و تصمیمات آن برای کلیه اعضا الزام آور میباشند.
- الف - کنگره عادی سازمان هر دو سال یکبار توسط کمیته مرکزی سازمان فراخوانده میشود
- ب - کنگره اضطراری سازمان توسط کمیته مرکزی یا از طریق تقاضای بیش از نیمی از اعضا سازمان فراخوانده میشود.
- تبصره - در صورتیکه کمیته مرکزی سازمان طی مهلتی که در اساسنامه ذکر شده است، کنگره عادی را فراخواند و یا از تقاضای برگزاری کنگره اضطراری توسط بیش از نیمی از اعضای سازمان خودداری نماید، اعضای که تقاضای فراخوان کنگره را نموده اند، میتوانند یک کمیته برگزاری کنگره تشکیل دهند که از حقوق کمیته مرکزی برای برگزاری کنگره برخوردار خواهد بود.
- ج - تاریخ و محل کنگره عادی و اضطراری را کمیته مرکزی در جلسه ای که به همین منظور تشکیل می دهد تعیین خواهد کرد.
- د - فراخوان کنگره، دستور جلسه و قطعنامه های آن حداقل سه ماه قبل از تاریخ برگزاری کنگره به تشکیلات اعلام میشود. فراخوان کنگره های

اساسنامه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اقلیت)

نظارتی حداقل دوماه قبل از تاریخ برگزاری
گروه اعلام میشوند.

پیشنهادات اصلاحی، مستقیماً به کمیته
رکزی فرستاده میشوند و کمیته مرکزی گزارش
و در مورد آنها به کنگره ارائه میدهد.

۱- ضوابط نمایندگی در کنگره عادی و اضطراری
از زمان براساس تساوی تعداد نمایندگان
بسته های مناطق و کمیته های معادل آن می-
شود. تعداد نمایندگان هر کمیته توسط
کمیته مرکزی تعیین میگردد و نحوه انتخاب
نمایندگان برعهده کمیته ها خواهد بود.

۲- هر یک از اعضای کمیته مرکزی حق شرکت در
کنگره های عادی و اضطراری سازمان را به
نوان یک نماینده با حقوق کامل دارا می-
اشند.

۳- کمیته مرکزی سازمان میتواند نمایندگان
که حاضر شرایط نیستند یا بعنوان میهمان از
سازمانها و احزاب دیگر با نظر مشورتی به کنگره
عوت نماید.

۴- کنگره با حضور $\frac{3}{4}$ نمایندگان اجلاس
می یابد.

۵- وظائف و قدرت کنگره به قرار زیر
بیاید.

الف- انتخاب کسبیون اعتبارنامه به منظور
ررسی اعتبارنامه نمایندگان و گزارش آن به
کنگره.

ب- انتخاب یک هیئت رئیسه برای پیش-
برد کار کنگره.

۶- بحث و تبادل نظر در مورد گزارش سیاسی و
شکیلاتی کمیته مرکزی.

۷- تصویب برنامه و اساسنامه یا تجدیدنظر و
غیر برنامه و اساسنامه سازمان.

۸- تعیین خط مشی و تاکتیکهای سازمان در
ضعیت جاری.

۹- تصویب قطعنامه ها

۱۰- تعیین تعداد اعضای اصلی و علی البدل
کمیته مرکزی با توجه به شرایط و وضعیت
سازمان.

۱۱- انتخاب اعضای اصلی و علی البدل
کمیته مرکزی برای مخفی

ماده ۱۸- کمیته مرکزی سازمان

بند ۱- کمیته مرکزی سازمان بین دو
کنگره عالیترین ارگان رهبری و مرجع تصمیم
گیری سازمان محسوب میگردد.

بند ۲- کمیته مرکزی، منتخب کنگره است

و تنها در مقابل آن مسئول شناخته میشود.

بند ۳- کمیته مرکزی، مسئول اجرای
اساسنامه و پیشبرد خط سیاسی و تصمیمات
متخذه از طرف کنگره میباشد.

بند ۴- کمیته مرکزی کل سازمان را
نمایندگی می کند، کمیته های تشکیلاتی را
سازماندهی مینماید، مسئول هدایت و رهبری
کل سازمان میباشد و در مورد مسائل سازمانی
حق تصمیم گیری کامل را داراست.

بند ۵- کمیته مرکزی سازمان در مورد
کلیه مسائلی که به سیاست سازمان در سطح
سراسری مربوط میشود، مسائلی که بیش از یک
منطقه را دربرمیگیرد و یا تصمیم واحدیکسانی
را در سراسر کشور لازم داشته باشد و نیز مسائلی
که در منطقه ای مشخص برای اولین بار مطرح
میشود به سیاست عمومی سازمان ارتباط
پیدا میکند، حق تعیین سیاست و تصمیم گیری
را داراست.

بند ۶- کمیته مرکزی سازمان در مورد کلیه
مسائل مربوط به روابط بین المللی و
مناسبات با سازمانها و احزاب تصمیم میگیرد
و این روابط را تنظیم و نمایندگی می نماید.

بند ۸- اعضای کمیته مرکزی بنا به وظیفه
محوه خود میتوانند با تصویب کمیته مرکزی،
مشاورینی برای خود انتخاب کنند.

بند ۹- انتخاب دبیر کمیته منطقه، اعضای
کمیته های ویژه و هیئت تحریریه ارگان مرکزی
از وظایف کمیته مرکزی است.

بند ۱۰- جلسات کمیته مرکزی با حضور $\frac{2}{3}$
اعضای رسمیت می یابد.

بند ۱۱- فاصله زمانی بین دوششست
کمیته مرکزی نباید از ۳ ماه تجاوز کند.

بند ۱۲- کمیته مرکزی هر سه ماه یکبار
گزارش کتبی عملکرد سازمان را به تشکیلات
ارائه میدهد.

بند ۱۳- کمیته مرکزی مسئول امور مالی
سازمان است.

بند ۱۴- کمیته مرکزی، مسئول بایگانی
اسناد، مدارک و کلیه شناسنامه های سازمانی
است.

بند ۱۵- کمیته مرکزی مسئول تدارک و
تشکیل کنگره سازمانی (اعم از عادی یا
اضطراری) بوده و موظف است گزارش سیاسی
و تشکیلاتی به کنگره ارائه دهد.

بند ۱۶- کمیته مرکزی در صورت ضرورت و

برای تبادل نظر در مسئله یا مسائل خاص
میتواند پلنوم وسیعی مرکب از اعضای اصلی و
علی البدل کمیته مرکزی، هیئت تحریریه،
مشاوران کمیته مرکزی و دبیران کمیته ها
تشکیل دهد. تصمیمات و پیشنهادات ایسین
پلنوم برای کمیته مرکزی جنبه مشورتی خواهد
داشت.

بند ۱۷- کمیته مرکزی موظف است آئین
نامه های اجرایی و انضباطی تنظیم و در اختیار
اعضا بگذارد. این آئین نامه ها برای اعضای
لازم الاجراست.

بند ۱۸- کمیته مرکزی میتواند یک عضو
خود را بخاطر فقدان دیسیپلین و رفتار نادرست
و فعالیت های ضد سازمانی با $\frac{2}{3}$ آراء مجموع
اعضا کمیته مرکزی اخراج کند. کنگره میتواند
این حکم را لغو نماید.

اعضایی که بدین طریق اخراج میشوند نباید
تعدادشان از $\frac{1}{3}$ اعضای کمیته مرکزی تجاوز
کند.

بند ۱۹- در مواردی که یکی از اعضای
کمیته مرکزی اخراج، بازداشت یا شهید شود
یک جانشین از میان افراد علی البدل با رأی
اکثریت ساده کلیه اعضا کمیته مرکزی، جای
او را خواهد گرفت. عضو انتخاب شده از حق
رای کامل برخوردار است. اما به محض اینکه
عضو بازداشت شده آزاد شود، جانشین تعیین
شده از عضویت کمیته مرکزی کنار میرود.

بند ۲۰- در صورتیکه اکثریت اعضای کمیته
مرکزی بازداشت یا شهید شوند، بازماندگان
کمیته مرکزی موظفند در وهله نخست از اعضا
علی البدل و چنانچه عضو علی البدل کافی
نبود، از میان دبیران کمیته های مناطق،
کمیته مرکزی را ترمیم نموده و کنگره اضطراری
سازمان را حداکثر ظرف مدت شش ماه
برگزار نمایند.

بند ۲۱- بنا به ضرورت های معین کمیته
های ویژه از طرف کمیته مرکزی تشکیل می-
گردند و زیر نظر کمیته مرکزی انجام وظیفه می-
کنند. کمیته های ویژه میتوانند کمیته ها و
حوزه های پائینی وابسته به خود را تشکیل
دهند.

تبصره ماده ۱۸- تا برگزاری کنگره دوم،
کمیته اجراییه سازمان عهده دار وظایف و
اختیارات کمیته مرکزی خواهد بود.

فصل پنجم- سازمانهای منطقه ای و محلی
ماده ۱۹- کمیته منطقه



اساسنامه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اقلیت)

اکثریت اعضا حوزه اتخا نمیشود مگر در مواردی که مربوط به انتخاب کردن و انتخاب شدن باشد که به آراء اعضا مربوط میگردد.

تبصره ۱- در صورت تساوی آراء، نظری که دبیر حوزه به آن رای داده است لازم الاجرا است.

تبصره ۲- دبیر حوزه میتواند در صورتیکه تشخیص دهد نظر اکثریت اعضا حوزه مغایر با مصالح و نظرات سازمان است، با پذیرش مسئولیت، راسا تصمیم بگیرد. مشروطه اینکه بعداً مورد تأیید ارگان بالاتر قرار گیرد. در غیر این صورت تصمیم او بی اعتبار بوده. خودسرانه تلقی خواهد شد و باید جویبار آن باشد.

بند ۶- وظائف حوزه الف- حوزه ها موظفند اعضا و کاندیداهای عضویت را با روحیه استحکام ایدئولوژیک وفاداری به سازمان و آرمان کمونیسم و اصول انترناسیونالیسم پرولتری آموزش و پرورش دهند.

ب- حوزه موظف است کلیه نشریات درونی و بیرونی سازمان را مطالعه نموده و انتقادات و پیشنهادات جمع بندی شده خود را پس از بحث حول این نشریات به ارگان بالاتر ارائه دهد.

ج- حوزه باید هفته ای یکبار جهت هماهنگ کردن و ارزیابی فعالیتهای مبارزاتی و مباحث ایدئولوژیک-سیاسی تشکیل جلسه دهد و گزارش هفتگی خود را به ارگان بالاتر ارائه دهد.

د- حوزه موظف است هر یک ماه یکبار جلسه انتقاد و انتقاد از خود تشکیل دهد و گزارش آنرا به ارگانهای بالاتر ارائه دهد.

ه- حوزه موظف است بر اساس برنامه ای که از سوی سازمان تعیین شده است فعالیت کند.

و- حوزه موظف است دستورات کمیته مافوق را اکیداً اجرا نماید.

ز- حوزه موظف است در کارخانه یا محل سکونت در جهت جذب توده ها به سمت سازمان تلاش کند و در جهت پیوند هر چه بیشتر سازمان با طبقه کارگر بکوشد.

ح- حوزه وظیفه دارد برنامه و سیاستهای سازمان را تبلیغ و ترویج کند، نشریات سازمان را توزیع نماید و کمک مالی و تدارکاتی برای سازمان جمع آوری کند.

"تعهدنامه سازمانی"

ماده ۲۳- تمامی اعضا سازمان بونگام

کمیته بخش به مراتب گسترده تر است، ابتدا چند کمیته ناحیه متشکل از ۳ تا ۵ کمیته بخش به وجود می آید، سپس از ترکیب دبیران کمیته های ناحیه کمیته شهرستان تشکیل میشود.

بند ۲- کمیته شهرستان دارای یک دبیر (ویک نایب دبیر) می باشد که با انتخاب فضای کمیته شهرستان و تصویب ارگان بالاتر تعیین میشود.

بند ۳- کلیه تصمیمات کمیته شهرستان بر اساس نظر اکثریت اعضا کمیته اتخا نمیگردد. بند ۴- کمیته شهرستان هر ماه یکبار گزارش عملکرد خود را به ارگانهای بالاتر ارائه میدهد.

ماده ۲۱- کمیته بخش بند ۱- کمیته بخش از ۳ تا ۵ تن از دبیران حوزه ها تشکیل میشود.

بند ۲- کمیته بخش دارای یک دبیر (ویک نایب دبیر) است که با انتخاب اکثریت اعضا کمیته بخش و تصویب ارگان بالاتر تعیین میشوند.

بند ۳- کمیته بخش وظائف خود را بر اساس برنامه عمومی تعیین شده از سوی ارگان بالاتر پیش میبرد.

بند ۴- کمیته بخش مسئول رهبری و کنترل فعالیتهای حوزه های تحت مسئولیت خود می باشد.

بند ۵- کمیته بخش هر یک ماه یکبار گزارش کتبی از پیشرفت کار، تصمیمات و فعالیتهای خود را به ارگان بالاتر ارائه میدهد.

بند ۶- کلیه تصمیمات کمیته بخش بر اساس نظر اکثریت اعضا کمیته اتخا نمیگردد.

فصل ششم- واحدهای سازمان

ماده ۲۲- حوزه بند ۱- واحدهای تشکیلات سازمان را حوزه تشکیل میدهد که در محل کار و سکونت تشکیل میشود.

بند ۲- تعداد اعضا حوزه حداقلاً ۳ و حداکثر ۵ تن (اعضای عضو و کاندیدای عضو) می باشد.

بند ۳- تشکیل حوزه باید به تصویب ارگان بالاتر برسد.

بند ۴- حوزه دارای یک دبیر (ویک نایب دبیر) است که با انتخاب اکثریت اعضا حوزه و تصویب ارگان بالاتر تعیین میشود.

بند ۵- کلیه تصمیمات حوزه بر اساس نظر

بند ۱- کمیته منطقه ارگان رهبری کننده تشکیلات سازمان در سطح منطقه است و آخرین ارگان در سطح منطقه می باشد.

بند ۲- کمیته منطقه، کمیته ها و سازمانهای تابعه خود را سازماندهی میکند، فعالیتهای آنها را کنترل و رهبری مینماید و مسئول پیشبرد فعالیتهای سیاسی و تشکیلاتی سازمان در سطح منطقه می باشد.

بند ۳- کمیته منطقه بر اساس وظیفه تعیین شده از طرف کمیته مرکزی سازمان، در یک منطقه معین بوجود می آید. حیطه عملکرد کمیته منطقه را با توجه به نیازهای جنبش، کمیته مرکزی تعیین می کند.

بند ۴- کمیته منطقه متشکل از مسئولین شهرستانها و منتخبین کمیته مرکزی برای پیشبرد امور سیاسی و تشکیلاتی سازمان در سطح منطقه بوجود می آید.

بند ۵- اعضا، تحریریه ارگان منطقه ای توسط کمیته منطقه انتخاب و به تصویب کمیته مرکزی میرسند.

بند ۶- عملکرد و تصمیم گیریهای کمیته منطقه محدود به منطقه تحت فعالیت آن می باشد.

بند ۷- تصمیمات کمیته منطقه باید تحت نظر و در چارچوب تصمیمات متخذه در ارگانهای بالاتر باشد.

بند ۸- کلیه تصمیمات کمیته منطقه بر اساس نظر اکثریت اعضا کمیته اتخا نمیگردد.

بند ۹- کمیته منطقه هر دو ماه یکبار گزارش کتبی عملکرد خود را به ارگان بالاتر ارائه میدهد.

ماده ۲۰- کمیته شهرستان

بند ۱- کمیته شهرستان تحت رهبری ۳ تا ۵ تن از دبیران کمیته های بخش تشکیل میشود، مسئول پیشبرد فعالیتهای سیاسی و تشکیلاتی سازمان در سطح شهرستان می باشد. کمیته های بخش و حوزه های تحت مسئولیت خود را کنترل و رهبری مینماید.

تبصره ۱- در شهرهایی که تشکیلات تا این حد گسترده نیست، ارگانهای پایین تر و وظائف پیشبرد فعالیتهای سیاسی و تشکیلاتی را در سطح شهر با نظارت کمیته آن منطقه بر عهده میگیرند.

تبصره ۲- در شهرهایی که تشکیلات از حد



اطلاعیه کمیته اجرایی

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
درباره انحلال کمیته خارج از کشور

کارگران، اعضاء و هواداران سازمان!

در پی تشدید اختلاف ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی در درون سازمان، که منجر به استعفای اعضاء و مشاورین کمیته مرکزی سازمان از جمله رفقا اعظم، توکل و بهروز در فروردین ماه ۱۳۶۶ و انحلال کمیته مرکزی گردید، پیشنهادات متعددی از سوی بخشهای مختلف تشکیلات به منظور ایجاد یک ارگان رهبری موقت و برگزاری هرچه فوری تر کنگره سازمان ارائه گردید، اما همه این پیشنهادات مخالفت کمیته خارج از کشور و پیرو گردید. این کمیته که با عدول از مواضع ایدئولوژیک - سیاسی سازمان و دفاع از مناسبات تشکیلاتی اقبل حزبی و محفلی، اختلافات خود را با همه بخشهای تشکیلات آشکار نموده بود، در ادامه ارتداد مسلکی خود، به تشکیلات شکنی و انحلال طلبی روی آورد، پیوند خود را با تمام بخشهای تشکیلات قطع نمود، و سه تن از هواداران سازمان در خارج از کشور را که در بخش نی صدای فدایی فعالیت می کردند در تاریخ ۶۶/۲/۱ به فوریت از این بخش فراخواند و به خارج از کشور انتقال داد تا پخش برنامه های صدای فدایی را مختل سازد.

مسئول این کمیته، "بهرام" که علاوه بر مسئولیت کمیته خارج از کشور، مسئولیت امور مالی و روابط خارجی سازمان را بر عهده داشت با سوءاستفاده از مسئولیت خود بودجه مالی و ارتباطات بخشهای دیگر تشکیلات از جمله کردستان و مقرر را یورا قطع نمود و در ادامه این سیاست انحلال طلبانه خود با توسل به عوامل خارج از سازمان و سوءاستفاده از مسئولیت خود در زمینه روابط خارجی، پخش برنامه های صدای فدایی را متوقف ساخت و در شرایطی که کمیته مرکزی سازمان از فروردین ماه منحل شده بود با انتشار یک اطلاعیه به نام "کمیته مرکزی سازمان" در تاریخ ۶۶/۳/۶ با جعل و تحریف واقعیات اوچا انحلال طلبی خود را به نمایش گذاشت.

در پی این اقدام "بهرام"، یک کمیته اجرایی مرکب از رفقای از کمیته هم آهنگی داخل کشور و مشاور مرکزی، کمیته کردستان، حریریه نشریه کار و صدای فدایی زمام امور تشکیلات را در دست گرفت. کمیته اجرایی سازمان در نخستین نشست خود "بهرام" را بعنوان نصری اخلاک و انحلال طلب از سازمان اخراج نمود، کمیته خارج از کشور را منحل ساخت و یک کمیته جدید تشکیل داد که به فوریت وظیفه بسازی تشکیلات خارج از کشور را عهده دار گردد.

کمیته اجرایی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران وظیفه سازماندهی و بسازی بخشهای مختلف تشکیلات را تا برگزاری کنگره بر عهده خواهد داشت که در اولین فرصت کنگره سازمانی را برگزار خواهد نمود. ضمناً "زآنجا تیکه آدرس تماس با سازمان و ماره حساب بانکی آن به نام "بهرام" بوده است، از این پس کلیه هواداران می توانند با آدرس زیر با سازمان تماس بگیرند.

Post Lager Karte
Nr. 054051 C
1000 Berlin 12
W. Germany

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز نمایید.

Jalali
201964 M
Credit Lyonnais
29 Bd. Jules-Ferry
75011- Paris
FRANCE

کمیته اجرایی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۱۳۶۶/۳/۹



اطلاعیه

هم میهنان مبارز!
نیروهای انقلابی و مترقی! هواداران سازمان!

اکنون دیگر ما هیت تلاشهای انحلال طلبانه "بهرام" مسئول کمیته خارج زکشور برهنگان آشکار شده است. مقاله "متحدیین بین المللی پرولتاریای ایران در عرصه بین المللی" که در مهرماه سال ۶۵ نوشته شده بود، در اسفندماه سال ۶۵ به صورت مسئله مورد اختلاف کمیته خارج زکشور درآمد!

پس از بحث قرار شد که تحریریه نشریه کار نظر خود را اعلام کند، تحریریه نظر داد که مقاله مذکور در چارچوب مواضع و قطعنامه های نخستین کنگره سازمان است. "بهرام" که از این طریق نتوانست مواضعی خلاف مصوبات کنگره اول سازمان به پیش برد، ناگزیر دست به یک رشته اعمال ضد تشکیلاتی زد و از جمله به تشکلهای هوادار در خارج زکشور اعلام نمود که این مقاله خلاف مواضع سازمان است و هواداران موظف به اجرای رهنمودهای آن نیستند. از آنجا که کمیته مرکزی سازمان حاضر نبود این حرکات تشکیلات شکنانه "بهرام" را محکوم نماید، لذا در اعتراض به این خودسریها و تصمیم گیریهای فردی و ضد تشکیلاتی، رفیق توکل جلسه مرکزیست را ترک و استعفای خود را از مرکزیت خطاب به اعضا و کاندیداها اعلام نمود. عضویت سازمان به تشکیلات ارائه داد.

"بهرام" در ادامه حرکات ضد تشکیلاتی خود اقدام به ارتباط گیری با سه تن از رفقای هوادار سازمان در خارج زکشور که در بخش فنی رادیو فعالیت می کردند نمود. این عمل با اعتراض رفقای رادیو مواجه گردید و متعاقب این حرکات و واکنش تشکیلات نسبت به "مرکزیت دوفره"، عضو دیگر مرکزیت در تاریخ ۱۶/۱/۶۶ استعفای خود را به تشکیلات اعلام و عملاً "کمیته مرکزی" منحل گردید.

"بهرام" که شا هد زوال قطعی تفکر اپورتونیستی خود بود، دست به تلاش گسترده ای زد تا شاید بتواند با اخلالگری مانع ادامه فعالیت بخشهای دیگر تشکیلات گردد. وی بعنوان "مسئول مالی و ارتباطات" از مسئولیت خود سوءاستفاده نمود و از تاریخ ۱۸/۱/۶۶ خودسرانه بودجه مالی بخشهای مختلف تشکیلات و امکانات ارتباطی این بخشها را قطع و موجودی نقدی سازمان را بلوکه کرد. بدنبال این اقدامات انحلال طلبانه و برای اخلال در پخش برنامه های صدای فدائی، در تاریخ ۲۱/۶/۶۶ سه تن از هواداران سازمان در خارج زکشور را که در بخش فنی رادیو فعالیت میکردند به فوریت از این بخش فراخواند و به خارج زکشور انتقال داد. متعاقب شکست تمامی این اقدامات ضد تشکیلاتی، "بهرام" با استمداد از عوامل خارج زکشور تشکیلات و سوءاستفاده از مسئولیت خود در زمینه روابط خارجی پخش برنامه های صدای فدائی را در تاریخ ۲۶/۳/۶۶ متوقف ساخت.

از آنجا که رفقای بخشهای مختلف تشکیلات در مقابل اقدامات انحلال طلبانه و انشعاب گرایانه "بهرام" که فاقد هرگونه صلاحیت و پرنسیب انقلابی است، به مقاومت دست زدند، وی در ادامه اقدامات انحلال طلبانه خود اقدام به پخش اطلاعیه سرپا کذب به نام "کمیته مرکزی سازمان" در سطح جنبش نمود، این عمل اوج انحلال طلبی او را برهنگان آشکار میسازد. "بهرام" در اسفندماه ۶۵ صریح و آشکار ارتداد مسلکی خود را با نوشته "با زهم اپورتونیست راست" به نمایش گذاشت، موجودیست اردوگاه سوسیالیسم را انکار نمود و برای اینکه پوششی به افکار و اعتقادات بورژوازی خود بدهد از تبدیل شدن انحرافات اردوگاه به یک خط اپورتونیستی - رفرمیستی سخن گفت.

خط پرولتری سازمان به مبارزه ای جدی علیه این ارتداد مسلکی برخاسته و ضمن مرزبندی صریح و آشکار با انحرافات اردوگاه سوسیالیسم و مبارزه قاطع با این انحرافات، از موجودیت انقلابی و سوسیالیستی اردوگاه و از سوسیالیسم و کمونیسم دفاع میکند. "بهرام" آشکارا از سیستم کهنه و ما قبل حزبی حاکم بر سازمان و ساخت تشکیلاتی مبتنی بر سانترالیسم - بوروکراتیک دفاع میکرد. خط پرولتری سازمان برچیده شدن سیستم ما قبل حزبی و محفلی و ایجاد دیک سیستم تشکیلاتی حزبی مبتنی بر سانترالیسم - دمکراتیک را به محور فعالیت خود در مرحله کنونی حیات سازمان تبدیل نموده است.

خط پرولتری سازمان علیه سبک کار خرده بورژوازی، آنارشیستی و ما جرایویانه ای که مدافع آن در سازمان "بهرام" بسود، بپا خاست و از به دور ریختن این سبک کار تشکیلاتی و روی آوردن به سبک کار کمونیستی دفاعی کند.

"بهرام" با آخرین اقدام خود، اپورتونیسم خود را به کلی فاش و بر ملا نمود، این کمیته که در سطح تشکیلات ایزوله شد و حتمی

نتوانست یک نفر از نیروهای بخشهای دیگر تشکیلات را با خود همراه کند، دیرری نخواهد پاشید که در سطح جنبش نیز ایزوله شود. با دیدمبارزه بی رحمانه ای را علیه اپورتونیسیم و انحلال طلبی آغاز کنیم. توهمات را که "بهرام" در پی ایجاد آن است در هم شکنیم.

یا دفاع زخما انقلابی ما رکیستی - لنینستی سا زمان، برنا مه انقلابی، تا کتیک انقلابی، نفی سبک کار خرده بورژوازی و دفاع از سبک کار کمونیستی، تلاش برای تغییر بنیادی سیستم تشکیلاتی موجود و ایجاد یک سیستم نویسن تشکیلاتی یا دفاع زخما اپورتونستی و ضدما رکیستی "کمیته خارج از کشور" منحل شده، تجدیدنظر در برنا مه و تاکتیکهای انقلابی، دفاع از سیستم تشکیلاتی ما قبل حزبی و محفلی، شق ثالثی وجود ندارد.

ما موظفیم از موجودیت سا زمان و آرمان طبقه کارگر دفاع کنیم.

سا زمان چریکهای فدائی خلق ایران (کمیته خارج از کشور)

۱۳۶۶/۳/۱۰

رودخانه پویان

برسنگ و صخره و رود و نعره های من پیچیده روی قله خون آلود: گلنهای حزب سوخته دلشکستان مردان خشم و خوف! خون شعله های پیکر در خون نشستگان وحشت فرو نهد و فرا ز آئید از قله های قرمز شبگیر بنگرید با شاخ های خنجر با چشم های خشم روئیده بر کرانه خون جنگل گوزن "سعید سلطانی پور"	بایال های خونین در بیشه های بنشم بمانم * * * رگبارهای آتش، افروخت و استخوان و خون در خانه و خیابان آتش گرفت سوخت قلب گوزن های جوان - قلب انفجار - در چشمه های خون و آتش خفت بادی هراسناک برآمد قلب هزار چشمه خونین در جنگل سیاه گل آسفست * * * جنگل شکافت و پانزده ستاره خونین بانعرده های سوزان، برخاست از نهفت و بر مدارهای گریزان چرخید چرخید روی جنگل و توفید روی شهر بر فرق شب شکفت با کاکلی شکافت میراند	خون گوزن، جنگل پویان دیگری است بعد از صدای پویان بعد از حریق سوخته خون شعله ور بعد از حریق طوفان بعد از صدای جنگل ایران دیگر مانند رودخانه خونینی است بر صخره های سختی می راند از قله های رنج فرو میریزد در دره های دل تنگی می خواند وزخم تا بناک شهیدان را با کاکلی شکافت و خونریز برسنگ و صخره کویان در خاک های گلگون می گرداند همپای رودخانه سوزان باید مثل حریق طوفان بر فرق کوه و دشت برانم زخم برادران شهید را باید مثل ستاره ای خون افشان روی فلات سوگوار بگردانم با دیدمبارزه از جگرو چون شیر
---	---	--



هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

فدائی شهید رفیق سعید سلطانپور...

در دورانی که "هنر و ادبیات" آخته، بیسان! قیا نوسی به عمق یک وجب " از ترس نفس نفس میزند، تعهد در "هنر" برای "هنر" رنگ می بازد، آختگان اندیشه و هنر، ضعیفان امروزی، بر کارنامه - های شان مهر ترس می کوبند.
"آنا تولی کالینین"

در آخرین روزها ۱۳۶۰، دژ خیما ن رژیم - جمهوری اسلامی - قلب پراز مهر هنرمند - مونسینی را آماج گلوله قرار دادند که جزیرای - رهاشی طبقه کارگر نمی طپید. بهار عمر سعید، این چهره آشنای هنر و ادبیات بالنده ایران برای همیشه خشکیده شد اما، گلستانی از هنر - نوده ای را که او برجای گذارده همچنان سرسبز باقیست .

دروصف سعید بسیار گفته و شنیده شده ، از صداقتش ، از هنرش ، از پایداریش و از هنر - مند بودنش برای هنر انقلابی . اما هنر - سعید نه فقط در تسلط به فن تأثرویا درسردن شعر، که در بکارگیری آنها برای به میدان کشیدن توده ها در آوردن و رزم طبقاتی است . سعید فن پیوند با توده های استثمار شده را ، نه در لاف و گزافهای روشن فکرانه و عزلت گزینی های عارفانه ، که در عمل و همگام با توده - ها و در کنارشان آموخت . از "انبوه پاره - پوشان" میگفت و آلام ورنجهایشان ، از چهره - های سوخته و تنهای خشکیده از "فلات فلز و کار" و از "آوازه های بند" ، بندهای اوین و شکنجه - گاهای کمیته :

"افتاده مرد خسته و خونالود
آتش دمیده از کف پایش
آرام می تراود در برگهای زخم
چون قطره های آتش
نون از جدا رفته رگهایش
نلاقهای سیم
وی مدار خون
سپارگشته است و نگشته است
وی مدار دیگر ،
رأیش"

و ، شاعری را نه در اشعار "لطیف" و بی پایه سخن راندن از تنهای برهنه ، که در "آوازه های بند" و "از کشتارگاه" به سرحد کمال رسانید . لامش نه مدح و ثنا و "قدیه" و "فدا" ، که همچون تک گداخته ای برفرق خدایان سرمایه فرود ی آمد و بر دستهای پینه بسته کارگر مرهم بود .

در صحنه تأثر ، زندگی خیل گرسنگان را به سویر می کشید و از "سن" برای محاکمه - پا و لگران محکمه می ساخت . رفیق سعید ، اعر ، نویسنده و هنرمند انقلابی معاصر ایران ، - ۱۳۱۹ سال در یک خانواده کارگری در - راسان چشم به جهان گشود و از او کودکی با وجود در آشنا گشت .

تا تبعید "را برپا ساخت و با برگزاری مitingها ، سخنرانیها ، مصاحبه های تلویزیونی و مطبوعاتی در شهرهای عمده کشورهای اروپایی به افشای جنایات رژیم پهلوی در زندانها و نقش مبارزاتی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در جنبش پرداخت ، اندکی بعد از قیام طوفانده خلق ، رفیق سعید برای تداوم مبارزه و شاعره هنر انقلابی در میان توده ها به ترمستند روی آورد و نمایشانها های چون "عباس آقا کارگر ایران ناسیونال" و "مرگ بر امپریالیسم" را بعنوان تجربه و تلاش در جهت تا تر کارگری به صحنه آورد و مبارزه طبقاتی را به تصویر کشید . در سال ۵۸ بعنوان نماینده سازمان در انتخابات مجلس شرکت جست و در سخن - رانیهای کوبنده خود سیاستهای رژیم ضد - انقلابی جمهوری اسلامی را به با دانتقا د گرفت . در مiting به یادماندنی و تاریخی که در تهران ، جهت گرامیداشت رفیق توماج و سه رزمنده فدائی سرزمین شوراها برگزار گردید ، با شور انقلابی و جسارت کمونیستی ، از توطئه های رژیم ضد انقلابی در کشتار کمونیستها پرده برداشت و خطاب به دشمنان طبقه کارگر فریاد برکشید :

"هر گلوله ای که سینه کمونیستها را نشانه رود از سلاحهای امپریالیستها شلیک گشته است ."
آری او که همواره شکنجه وزندان رژیم شاه

را به سخره گرفته بود ، بخوبی می دانست که ارتجاع به قدرت خزیده نیز چون سلفش ، دشمن آشتی ناپذیر کمونیستهاست و سرانجام خوند نیز ، توسط حامیان امپریالیسم و پاسداران جهل و سرمایه در ۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۰ به همراه تعداد دیگر از کمونیستها و انقلابیون در بند ، به جوخه های اعدام سپرده شد .

سینه دلان و تاریخ اندیشان به عبث پنداشتند اندیشه پویا و خلاق او را که حاصل سالیان متاد مبارزه در کنار توده ها بود ، خواهند توانست همچون قامت پر صلابتش بر خاک بنشانند ، غافل از آنکه نام سعید ، آرمان سعید و هنر سعید همیشه جاودانه خواهد بود .
یادش گرامی و راهش پر رهرو باد .

پس از پایان تحصیلات دوره متوسطه ، شغل آموزگاری را برگزید و با تدریس در محلات فقیرنشین تهران همزمان به مبارزه علیه رژیم پهلوی برخاست . به هنگام اعتصابات یا زده روزه معلمین که با شهادت دکتر - خانعلی همراه بود ، سعید با شهادت کسم نظیری ، از مدرسه ای به مدرسه دیگری رفت و با نطقهای پرشورش جمعی دیگر از معلمین را برای مبارزه با رژیم سازمان می داد .

شورزادان لوصف او به تأثر موجب گشت تا برای فراگیری سیستم علمی تا تریه دانشگاه راه یابد . فعالیتهای ارزنده رفیق سعید در جنبش دانشجویی آن دوره محدود نبود ، او که هنر تا تر را خاطر ا عمدا در عمیقش به توده ها فرا می گرفت در پیوند با مبارزات کارگران ، نماینده "دشمن مردم" را به روی صحنه آورد ، جامعه منحنط و پیوسیده سرمایه داری را آماج حمله قرار داد و به افشای چهره گردانندگان مطبوعات سرسپرده رژیم پرداخت . در ادامه فعالیتهای خود به کمک تعدادی از علاقمندان به تأثر "انجمن تا تر ایران" را بنیان نهاد و نماینده های "آموزگار ان" ، "مسرگ در برابر" و "چهره های سیمون ما شار" را به صحنه آورد که غالباً پس از مدت کوتاهی از نمایش آنها خود دوستانش توسط ساواک رژیم دستگیر و تحت تعقیب قرار می گرفتند .

در پی انتشار کتاب "نوعی از هنر ، نوعی از اندیشه" که فرهنگ مبتذل سرمایه داری - توسط رفیق به نقد کشیده شده ، برای چندمین بار به اسارت درآمد و در سال ۵۳ به جریم سرودن اشعار "آوازه های بند" که در رابطه با رفقای دلیر فدائی سروده بود ، مجدداً به سیاه - چالهای رژیم شاه افکنده شد .

پس از تحمل سه سال شکنجه در زندانهای شاه در اواسط سال ۵۶ آزاد گردید و فعالیت مبارزاتی خود را با انتشار کتاب "از کشتارگاه" و برگزاری شبهای شعر در انستیتو "گوته" - دانشگاه صنعتی تهران از سر گرفت . چندی بعد مخفیانه راهی اروپا شد ، با همیاری تنی چند از مبارزین "کمیته از زندان



جاودان باد

خاطره سرخ
فدائی شهید
رفیق کبیر
امیر پرویز پویان



گرامی باد
خاطره فدائی شهید
رفیق کبیر
حمید اشرف

در صفحه ۱۶

پتك است خون من درد دست کارگر
داس است خون من درد دست برزگر



گرامی باد خاطره شهدای خردا دوتیرماه سازمان
رفقنا :



فدائی شهید
رفیق سعید
سلطانپور
هنرمند
همیشه جاودانه

در صفحه ۲۷

محمد رضا قصاب آزاد، علیرضا الماسی،
مسعود فرزانه، محمدحسین حقنواز، یوسف
قانع خشک بیجاری، غلامرضا لایق مهربانی،
طاهره خرم، عسکر حسینی ابرده، محمد مهسندی
فوقانی، غلامعلی خراطپور، علی اکبر وزیری،
فاطمه حسینی، محمد رضا یثربی، حمید آریان،
بهزاد امیری دوان، افسر السادات حسینی،
نادره احمدها شعی، سعید توکلی، علی خصوصی،
کاظم سلاحی، احمد خرم آبادی، اکبر حق بیان،
عبداله سعیدی بیدختی، حجت محسنی کبیر،
غلامرضا جلالی، نادریادی، علی اکبر حیدریان،
سینا، علیرضا ظریفی با میان چوبداریور رفیق
کبیر حمید اشرف.

مینا طالب زاده - بهروز دهقانی، رفعت
معماران بنام، مریم شاه، سلیمان پیوسته
حاجی محله، نادرشایگان شاماسبی، حبیب
برادران خسروشاهی، شهرام میرانی، ماریسا
کاظمی، منصور فرسا، مهدی پهلوان، حسن نیک
داوودی، خسرو ترگل، حسین سلاحی، علی رحیمی
علی آبادی، حسین موسوی دوست موجانی،
سعید معینی، سعید سلطانیور، کاظم غیراشی،
محمد علی خسروی اردبیلی، بهمن راست خدیو،
نسترن آل آقا، گلرخ مهدوی، نادعلی پورنغمه،
مارتیک غازیان، نزهت السادات روحی
آهنگران، غلامعلی پورنغمه، محمود عظیمی
بلوریان، پیداله زارع کاریری، دکتر نریمینا

کمک های مالی خود را به شماره
حساب بانکی زیر واریز نمایید.

Jalali
201964
Credit Lyonnais
29 Bd. Jules-Ferry
75011- Paris
FRANCE

برای تماس با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
(اقلیت)

نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای
دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال
و از آنها بخواهید نامه هایتان را به آدرس
زیر پست کنند: Post Fach 302921
1000 Berlin 30
W- GERMANY